

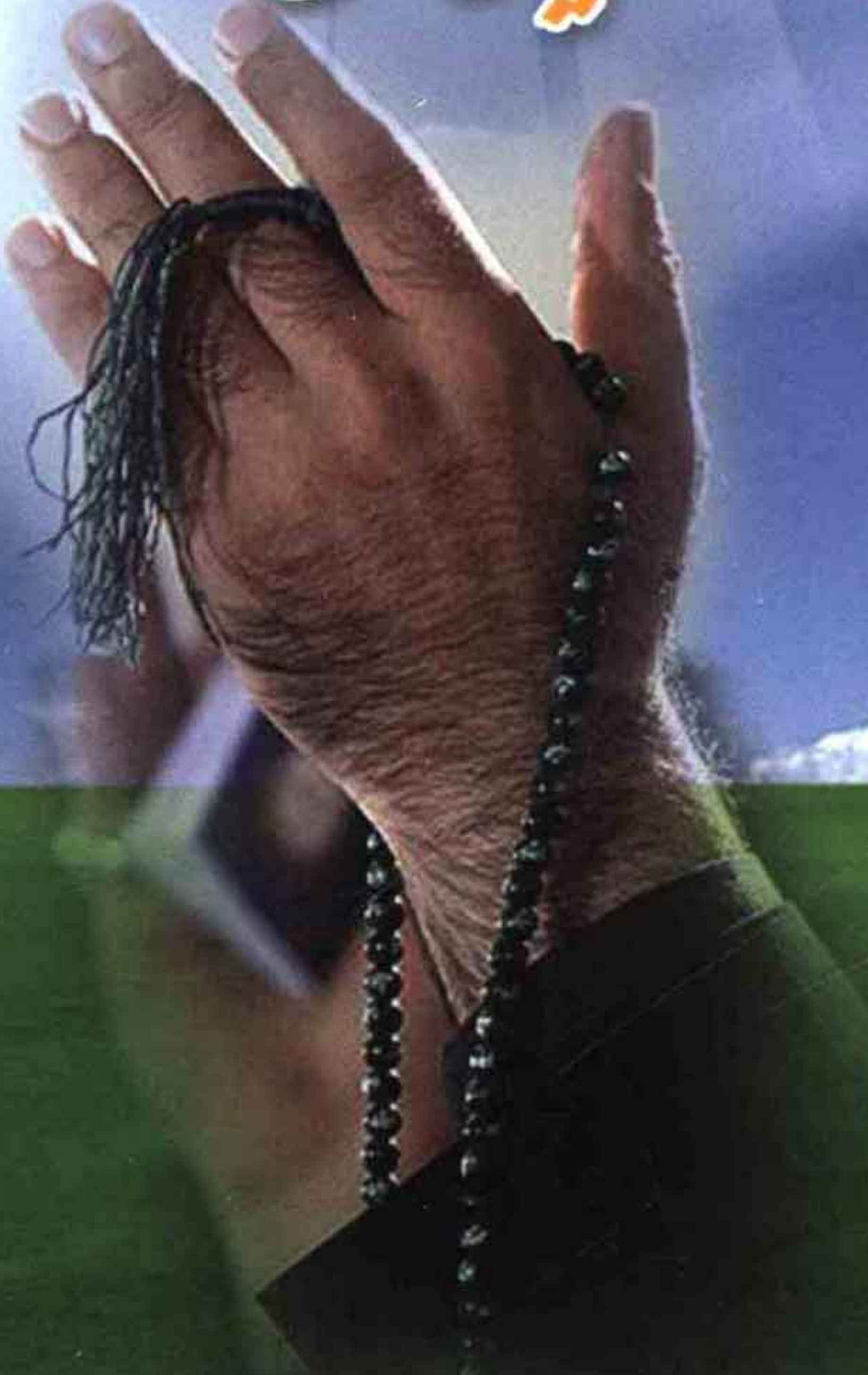
۳۵

اللَّهُ

كَلِمَاتِهِ حَيُّ خَالِدٌ

در نیایش امام زمان

علیه السلام



اللهم ارزقنا توفيق الطاعة...

نگاهی به دعای اللهم ارزقنا توفيق الطاعة

مهتابی پور

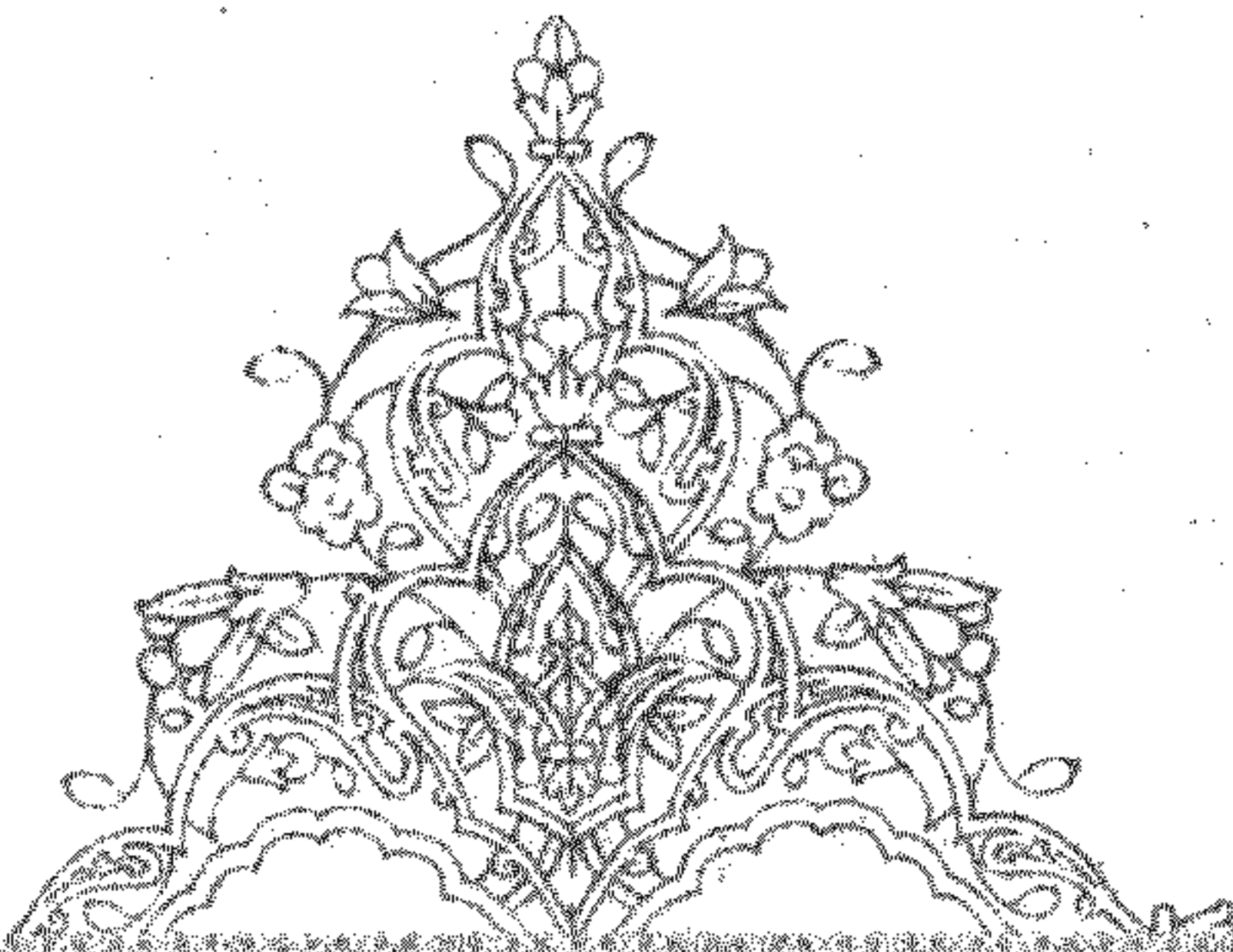




# کواررہما اخلاق

در دعای امام زمان (عج)

مہدی نیلیا پور



## فهرست مطالب

- مقدمه ..... ۵
- دعای حضرت مهدی علیه السلام ..... ۶
- نکات قابل تأمل در این دعا ..... ۱۰
- ۱- اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ ..... ۱۲
۲. وَ بَعْدَ الْمَعْصِيَةِ ..... ۱۷
۳. وَ صِدْقَ النِّيَّةِ ..... ۱۹
۴. وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ ..... ۲۱
۵. وَ أَكْرِمَنَا بِالْهُدَى وَ الْإِسْتِقَامَةِ ..... ۲۳
۶. وَ سَدِّدْ أَسْنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ ..... ۲۶
۷. وَ أَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ ..... ۲۸
۸. وَ طَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشَّبْهَةِ ..... ۲۹
۹. وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرْقَةِ ..... ۳۳
۱۰. وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ ..... ۳۵
۱۱. وَ اسدِّدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيْبَةِ ..... ۳۸
۱۲. وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَاءَنَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيْحَةِ ..... ۴۰
۱۳. وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَ الرَّغْبَةِ ..... ۴۳
۱۴. وَ عَلَيَّ الْمُسْتَمِعِينَ بِالْإِتْبَاعِ وَ الْمَوْعِظَةِ ..... ۴۵
۱۵. وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ ..... ۴۸
۱۶. وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ ..... ۵۰
۱۷. وَ عَلَيَّ مَشَايخَنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ ..... ۵۲



۱۸. وَ عَلٰی الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ ..... ۵۴
۱۹. وَ عَلٰی النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ ..... ۵۶
۲۰. وَ عَلٰی الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضِعِ وَ السَّعَةِ ..... ۵۹
۲۱. وَ عَلٰی الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ ..... ۶۲
۲۲. وَ عَلٰی الْغَزَاةِ بِالنَّصْرِ وَ الْغَلْبَةِ ..... ۶۵
۲۳. وَ عَلٰی الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَ الرَّاحَةِ ..... ۶۷
۲۴. وَ عَلٰی الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ ..... ۷۰
۲۵. وَ عَلٰی الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَ حُسْنِ السِّيَرَةِ ..... ۷۲
۲۶. وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ ..... ۷۴
- منابع ..... ۷۶

## مقدمه

یکی از منابع معارف و آموزه‌های دین در بخش اخلاق و عقاید ادعیه و مناجاتهای اهل بیت علیهم‌السلام است که با اندیشه‌ورزی و تأمل در این ادعیه، به حقایق و پیامهای فردی، خانوادگی و اجتماعی فراوانی دست پیدا خواهیم نمود.

از جمله این ادعیه دعایی است که منتسب به امام عصر علیه‌السلام می‌باشد. این دعا دارای متنی زیبا، شیوا و گزیده و جامع است که ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی را پوشش می‌دهد و در متن دعا به نیازها و صفات اخلاقی و شخصیتی هر طبقه اشاره شده است که می‌تواند به عنوان سندی برای خود سازی و تعلیم و تربیت قرار گیرد. دوستداران و محبان و منتظران حضرت لازم است علاوه بر ترنم و زمزمه این دعا در حالات عرفانی خود، بر مفاد و معانی آن تأمل و دقت نموده و تلاش کنند خود و جامعه را به خواستگاههای امام عصر علیه‌السلام نزدیک و نزدیکتر سازند.

مهدی نیلی پور

شوال ۱۴۳۰ هـ. ق

## دعای حضرت مهدی علیه السلام:

این دعا از دعاهای مشهور و معروف می باشد که مرحوم «کفعمی» آن را در «مصباح»<sup>۱</sup> نقل کرده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	
اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ	خداوندا! توفیق فرمانپذیری را روزی ما کن
وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ	و دوری از گناه را
وَصِدْقَ النِّيَّةِ	و صدق و صفای در نیت را
وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ	و شناختن آنچه حرمتش لازم است
وَأَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ	و ما را بوسیله ی هدایت شدن و استقامت گرامی دار
وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ	و زبانهای ما را به درستگویی و حکمت استوار کن
وَأَمَلْنَا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ	و دلهای ما را از دانش و معرفت لبریز کن
وَطَهِّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ	و اندرون ما را از غذاهای حرام و شبهه ناک پاک کن
وَأَكْفِفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ	و دستهای ما را از ستم و دزدی بازدار
وَأَغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ	و چشمان ما را از هرزگی و خیانت بیوشان
وَأَسَدِّدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغِيْبَةِ	و گوشهای ما را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت ببند
وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ	و بر علمای ما به پارسایی و خیر خواهی کردن تفضل فرما



و بر دانش آموزان به کوشش داشتن و شوق	وَ عَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَ الرَّغْبَةِ
و بر شنوندگان به پیروی کردن و پند گرفتن	وَ عَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَ الْمَوْعِظَةِ
و بر بیماران مسلمان به بهبودی یافتن و آسودگی	وَ عَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ
و بر مردگان آنها به عطف و مهربانی کردن	وَ عَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّافِهِ وَ الرَّحْمَةِ
و بر پیرانمان به وقار و سنگینی	وَ عَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ
و بر جوانان به بازگشت و توبه	وَ عَلَى الشُّبَّانِ بِالإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ
و بر زنان به شرم و عفت	وَ عَلَى النِّسَاءِ بِالحَيَاءِ وَ العِفَّةِ
و بر توانگران به فروتنی و بخشش کردن	وَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضُعِ وَ السَّعَةِ
و بر مستمندان به شکیبایی و قناعت	وَ عَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ
و بر رزمندگان به یاری و پیروزی	وَ عَلَى الْغُزَاةِ بِالنَّصْرِ وَ الْغَلْبَةِ
و بر اسیران به رهایی و آسودگی	وَ عَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَ الرَّاحَةِ
و بر زمامداران به عدالت و دلسوزی	وَ عَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ
و بر ملت به انصاف و خوش رفتاری (تفضل فرما)	وَ عَلَى الرَّعِيَّةِ بِالإِنصَافِ وَ حَسَنِ السِّيَرَةِ
و برای حاجیان و زائران در توشه و خرجی برکت قرار ده و آنچه را بر ایشان واجب کردی از اعمال حج و عمره به انجام رسان بوسیلهی فضل و رحمت خودت ای مهربانترین مهربانان	وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَ الزَّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ وَ اقْضِ مَا أُوجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ



۱. دل پر معرفت	} ۱. نظری	} نمودار محتوا و موضوعات کلی دعای امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲. درخواست توفیق		
۳. دوری از معصیت		
۴. داشتن صدق نیت		
۵. شناخت محرّمات الهی		
۶. کسب هدایت و استقامت		
۱. گفتار متین	} ۲. عملی	
۲. تقوای شکم		
۳. تقوای دست (پاکدستی)		
۴. تقوای چشم (پاک چشمی)		
۵. تقوای گوش (پاک گوشی)		
۶. نهضت علمی		
۷. تعیین وظایف مالی طبقات مختلف		
۸. تعیین وظایف حکومتی والیان و مردم		
۹. مهمترین وظایف پیران، زنان و جوانان		
۱۰. درخواست موفقیت زائران اماکن متبرکه		

۱. تربیت فردی و مدیریت اعضاء و جوارح	} موضوعات مورد توجه حضرت در این دعا
۲. فرهنگ آموزش و پرورش (برای دانشمندان، دانش پژوهان، مستمعین)	
۳. بهداشت و سلامت (برای بیماران)	
۴. هنجارهای اجتماعی (برای کهنسالان، زنان و جوانان)	
۵. اقتصاد سالم و پویا (برای فقیران و ثروتمندان)	
۶. امنیت و قدرت (برای مجاهدان، نیروهای نظامی و آزادگان)	
۷. سیاست و حکومت (برای حاکمان و مسئولین مملکتی)	
۸. رفاه، تعاون و بهزیستی (برای شهروندان و توده‌ی مردم)	
۹. سیاحت و زیارت (برای حاجیان و زائران اماکن متبرکه)	





صفات مورد درخواست حضرت برای هر طبقه	مخاطبان در دعای امام زمان <small>علیه السلام</small>
زهد و خیرخواهی	۱. عالمان و دانشمندان
تلاش و انگیزه	۲. دانش پژوهان
پیروی و پند پذیری	۳. مستمعین
شفاء و راحتی	۴. بیماران
رأفت و رحمت	۵. أموات
وقار و سکینه	۶. کهنسالان
خداگرایی و پاکی	۷. جوانان
حیاء و عفت	۸. زنان
فروتنی و توسعه	۹. ثروتمندان
صبر و قناعت	۱۰. فقیران و مساکین
پیروزی و غلبه	۱۱. مجاهدان و رزمندگان
آزاری و راحتی	۱۲. اسیران
عدالت و شفقت	۱۳. حاکمان و امیران
انصاف و روشی نیکو	۱۴. توده های مردمی و شهروندان
برکت در زاد و نفقه	۱۵. حجاج و عمره گزاران



## نکات قابل تأمل در این دعا:

۱. درخواستها در این دعا در قالب درخواستهای جمعی مطرح شده است، مانند: اَرْزُقْنَا، اَكْرِمْنَا، سَدِّدِ السِّنْتَآ، وَاَمَلْأ قُلُوبَنَا
۲. این درخواستهای جمعی علاوه بر بیان نیازمندیهای فردی، به نیازهای یک جامعهی مهدوی و مدینهی فاضله اشاره می‌کند.
۳. این دعا در کنار تقویت حسّ مسئولیت پذیری فردی در انسان، بُعد جمع‌گرایی، دگر اندیشی و مسئولیت‌های اجتماعی را نیز در انسان بارور می‌کند.
۴. از این درخواستهای جمعی معلوم می‌شود شرط تحقق چنین مفاهیم بلندی در فرد فرد جامعه، وجود جامعه‌ای پاک از بدی‌ها و آراسته به خوبی‌ها و زیبایی‌های معنوی است.
۵. از درخواستهای اخلاقی این دعا می‌فهمیم که یکی از راههای تهذیب و زیبا سازی روحی، داشتن روح نیایش‌گر و دعا و درخواست خوبی‌ها از خداست. (مانند دعای مکارم الاخلاق)
۶. با توجه به ترتیب درخواستها در این دعا می‌توان به اولویت‌های اخلاقی پی برد.
۷. بر اساس تقاضاهای خاص امام زمان علیه السلام در این دعا برای اصناف و طبقات مختلف اجتماع به عنوان کسی که از نیازهای ما نسبت به خودمان آگاهی بیشتری دارد، می‌توان صفات لازم و اولویت‌های اخلاقی هر صنف را استخراج کرده تا با تکیه بر آنها در تعلیم و تربیت اقشار مختلف، موفق‌تر عمل نمود.



۸. در این دعا، توجه به مسئولیت‌های فردی و مدیریت اعضا و جوارح، بر مسئولیت‌های اجتماعی طبقات مختلف، مقدم شمرده شده است.

۹. مفاد این دعا بیانگر اخلاق منتظران و نشان دهنده‌ی ایده‌های جامعه‌ی مهدوی و آرمان‌های مدینه‌ی فاضله‌ی عصر ظهور می‌باشد.

۱۰. مفاد این دعا در حکم میزان و نسخه‌ای شفابخش برای تربیت و اخلاق است و به آفات و آسیب‌ها و نیز دوی دردهای هر قشر اشاره می‌کند.

۱۱. در این دعا «خدا محوری» در همه‌ی ابعاد فردی و اجتماعی به چشم می‌خورد، چرا که همه نیکی‌ها و خیرات را به خدا نسبت داده و از خدا درخواست نموده است.

۱۲. از آنجا که این دعا نشان دهنده‌ی آمال و آرزوهای امام زمان علیه السلام است، بیانگر راهکارهای جلب رضایت آن حضرت می‌باشد و لذا از نظر فردی و اجتماعی در عرصه‌های گوناگون باید اخلاق و روابط خود را بر اساس مفاد این دعا طراحی مهندسی و مدیریت نماییم.

ما امیدواریم بر اساس این منشور تربیتی بتوانیم ارتباط خود را با امام عصر علیه السلام در سه گام مهم: «معرفت»، «محبت» و «اطاعت» ساماندهی و سازماندهی نماییم و ضمن کسب توفیق برقراری ارتباط دو سویه با حضرتش بتوانیم از منتظران صادق و ملازمان رکاب آن بزرگ مرد الهی باشیم.



## ۱ (اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ)

«خداوند! توفیق فرمانبرداری را روزی ما کن»

اللَّهُمَّ: یا الله! پروردگارا!

رزق: بخشش مداوم، نصیب و بهره (مفردات راغب)  
توفیق: التوفیق من الله أي: توجیه الاسباب نحو المطلوب  
(توفیق الهی یعنی خداوند اسباب و عوامل را برای هدف  
مورد نظر مهیا می کند)<sup>۱</sup>

طاعت: طوع و طاعت به معنای انقیاد و فرمانبرداری است.<sup>۲</sup>  
خداوند متعال به عنوان مربی و پرورش دهنده ی موجودات  
متکفل تأمین رزق مادی و معنوی آنهاست.

در میان موجودات، انسان به خاطر نیازهای ملکوتی اش، در  
کنار نیازهای مادی خود، باید برای دریافت ارزاق معنوی  
نیز، دست دعا به درگاه احدیت بالا برد.

با بررسی آیات قرآن در خصوص واژه ی رزق روشن می شود  
اکثر واژه های رزق در قرآن به خداوند متعال منسوب می گردد،  
واژه هایی چون: (رَزَقَكُمُ اللهُ، رَزَقَكُم، رَزَقْنَاكُمْ، رَزَقْنَاَهُمْ،  
رَزَقَهُمْ، تَرَزَّقُ، يَرزُقُ، خَيْرُ الرَّازِقِينَ، رِزْقِ اللهُ، رِزْقِ رَبِّكُمْ، هُوَ  
الرِّزْقُ، ...) که با تأمل در مجموع این واژه ها معلوم می گردد  
رزق هرکس تنها به دست خداست و برای جلب رزق  
بیشتر، ارتباط قوی تر با رازق هستی یک اصل است.

۱ - مجمع البحرين، ج ۵، ص ۲۴۷.

۲ - قاموس، ج ۵، ص ۲۴۸.

در روایات و ادعیه‌ی معصومین علیهم‌السلام مصادیق فراوانی برای ارزاق معنوی بیان شده است همچون:

### ✓ چشیدن شیرینی قرآن:

(اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا حَلَاوَةً فِي تِلَاوَتِهِ وَنَشَاطًا فِي قِيَامِهِ وَوَجَلًا فِي تَرْتِيلِهِ وَقُوَّةً فِي اسْتِعْمَالِهِ ...)<sup>۱</sup>

«خداوند!، شیرینی تلاوت قرآن و نشاط در به پا داشتن (احکام) قرآن و ترس در هنگام تلاوت قرآن و توانایی به کار بستن (دستورات) آنرا روزی مان فرما.»

### ✓ یاری دین و امام حق:

(وَارْزُقْنَا نَصْرَ دِينِكَ مَعَ وَلِيِّ هَادٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ)<sup>۲</sup>  
«و روزیمان کن یاری دینت را با سرپرستی هدایت‌گر و یاری شده از اهل بیت پیامبرت.»

### ✓ راستگویی، ادای امانت، مراقبت بر نماز:

(اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِدْقَ الْحَدِيثِ وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ وَالْمُحَافَظَةَ عَلَى الصَّلَوَاتِ)<sup>۳</sup>  
«خداوند!، روزیمان کن راستی در گفتار و امانت داری و مراقبت بر نمازها را.»

### ✓ حج خانه‌ی خدا:

(اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ)<sup>۴</sup>  
«خداوند!، روزیمان کن حج خانه‌ی خودت را و زیارت قبر پیامبرت را.»

۲- بحار/ ج ۹۵/ ص ۳۰۶

۱- کافی/ ج ۲/ ص ۵۷۳

۴- بحار/ ج ۹۵/ ص ۸۵

۳- جمال الاسبوع / ص ۱۹۹

### ۷ زیارت مشاهد مشرفه‌ی اهل بیت علیهم السلام:

(وَلَا تَتَوَقَّانِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ تَرزُقَنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَ قُبُورِ الْأَئِمَّةِ...)<sup>۱</sup>

«و مرگ مرا نرسان مگر پس از آنکه روزی ام کرده باشد حج خانه‌ات و زیارت قبر پیغمبرت و قبور امامان علیهم السلام را...»

### ۷ شفاعت امام حسین علیه السلام:

(اللَّهُمَّ ارزُقْنَا شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَوْمَ الْوُرُودِ... ) «خداوند!،

روزیمان کن شفاعت امام حسین علیه السلام را در روز قیامت...»

### ۷ شهادت در راه خدا:

(اللَّهُمَّ ارزُقْنَا شَهَادَةً فِي سَبِيلِكَ...)

«خداوند!، شهادت در راه خودت را روزی ما بفرما...»

از میان ارزاق معنوی و الطاف رحیمیه خداوند، توفیق جایگاه ویژه‌ای دارد. «توفیق» یعنی اتفاق و مطابقت و موافقت کار انسان با تقدیر و قضا و قدر الهی و یا به معنای آسان سازی مسیر و ایجاد شرایط و بهبود بخشیدن آن از طرف خدا جهت رسیدن به اهداف متعالی و معنوی است. قرآن می‌فرماید:

۷ (وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ)<sup>۲</sup> «و توفیق من، جز به خدا نیست.»

۷ (إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَ إِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي

يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ...)<sup>۳</sup> «اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ

۲- هود، ۸۸

۱- بحار/ ج ۹۹/ص ۱۶۹

۳- آل عمران، ۱۶۰.



کس بر شما پیروز نخواهد شد و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او شما را یاری کند؟»

توفیق از لشگریان عقل است و در مقابل آن خذلان (به حال خود رها شدن بنده) است که از لشگریان جهل به شمار می‌رود.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

﴿التَّوْفِيقُ مُمَدُّ الْعَقْلِ، الْخِذْلَانُ مُمَدُّ الْجَهْلِ﴾<sup>۱</sup>

«توفیق مددکار عقل و خذلان مددکار نادانی است.»

در روایات از این لطف الهی با تعبیری چون: «عناية»،

«رحمة»، «أول النعمه»، «قائد الصّلاح» (کشاننده به سوی

پاکی و صلاح)، «رأس السّعادة» و... یاد شده و بر طلب توفیق

خواهی از خداوند تاکید شده است. حضرت علی علیه السلام فرمودند:

(وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي التَّوْفِيقِ ...) <sup>۲</sup> «به سوی خدا با توفیق

خواهی رغبت کنید...»

امام سجّاد علیه السلام فرمودند: (وَ وَقَّفْنِي لِلتِّي هِيَ أَزْكَى ...) <sup>۳</sup>

«به آن کار که پاکتر و بالنده‌تر است توفیقم ده.»

امام باقر علیه السلام در تفسیر ذکر شریف: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا

بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» فرمودند: «معنایش این است که ما

قدرت روی گرداندن از معصیت خدا نداریم مگر به یاری

خدا و توانایی بر طاعت خدا نداریم مگر با توفیق او.» <sup>۴</sup>

۱- میزان الحکمه، حدیث ۲۲۲۵۲. ۲- همان، حدیث ۲۲۲۳۸.

۳- همان، حدیث ۲۲۲۴۸. ۴- همان، حدیث ۲۲۲۴۱.

لازم به ذکر است توفیق گاهی به معنای ایجاد میل و انگیزه و آسان سازی شرایط روحی و درونی برای پیروزی است و گاهی به معنای آسان سازی شرایط بیرونی و فراهم شدن زمینه موفقیت و این هر دو عنایتی است از جانب خداوند که امکان توسعه، رشد و شکوفایی شخصیت را به انسان می‌بخشد و سرعت تعالی را در او صد چندان می‌نماید.

پس بجاست برای همه‌ی امور خیر، خصوصاً طاعت و فرمانبرداری، از خداوند توفیق مسئلت نمود، چراکه طاعت سبب سعادت است. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

(بَادِرِ الطَّاعَةِ تَسْعُدُ) <sup>۱</sup> «به سوی طاعت بشتاب تا سعادت‌مند شوی.»

نیز فرمودند: (إِذَا قَوَّيْتَ فَاقَوْا عَلِيَّ طَاعَهُ اللهُ سُبْحَانَهُ، إِذَا

ضَعُفْتَ فَاضْعُفْ عَنِ مَعْصِيَةِ اللهِ) <sup>۲</sup>

«اگر نیرومندی در طاعت خداوند سبحان نیرومند باش و

اگر ناتوانی در نافرمانی از خدا ناتوان باش.»

## ۲ (وَبَعْدَ الْمَعْصِيَةِ)

[و (خداوند! روزی ام کن) دوری از معصیت و گناه را]  
**بَعْد:** دوری، ضدّ نزدیکی، حدّ معین ندارد و برای امور  
 مادی و محسوس و نیز امور معنوی و نامحسوس به کار  
 برده می شود. (مفردات راغب)

**معصیت:** نافرمانی، گناه

طلب توفیق برای فرمانبرداری و دوری از نافرمانی، در صدر  
 این دعای شریف، نشانگر رابطه متقابل ایندوست، یعنی هر  
 چه توفیق طاعت برای انسان بیشتر شود، در نقطه مقابل  
 باید دوری از گناه و زمینه های نافرمانی نیز بیشتر گردد.

دوری از گناه به معنای ایجاد بی میلی درونی نسبت به آن و  
 دور نگه داشته شدن از محیط های گناه آلود می باشد. در  
 داستان کودکی موسی علیه السلام می خوانیم که وقتی زنان شیرده برای  
 شیردادن موسی آمدند، موسی علیه السلام از هیچ یک جز مادرش  
 شیر نخورد. قرآن بی میلی موسی به شیر خوردن از زنان دیگر  
 را اینگونه تعبیر می کند: (وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ ...)<sup>۱</sup>

«ما همه ی زنان شیرده را بر او ممنوع ساختیم ...»

این بی میلی موسی به این نحو نبوده که زنان شیرده سراغ موسی  
 نرفته باشند، بلکه به شکل بی میلی موسی به شیر خوردن از آنان  
 بوده است. طلب دوری از معصیت از درگاه خداوند نیز به معنای  
 آن است که خداوند میل به گناه را از ما باز دارد و انجام معاصی را  
 بر ما ممنوع نماید. (و این محرومیتی برای مرحومیت است.)  
 واژه ی «بعد» به قرینه واژه ی «توفیق» به معنای خشکاندن  
 زمینه های معصیت در درون و برون و تنزیه از آن است.



معصیت اقسام متعددی دارد:

### ✓ معصیت و نافرمانی خدا:

(قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ)<sup>۱</sup>

«من اگر پروردگارم را عصیان کنم از مجازات روز بزرگ (قیامت) می ترسم.»

### ✓ معصیت و نافرمانی پیامبر ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام:

(وَ يَتَنَجَّوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ ...)<sup>۲</sup>

«و برای انجام گناه و تعدی و نافرمانی رسول نجوی می کنند...»  
در دعای ندبه از خداوند برای پیروی از امام زمان علیه السلام و دوری از معصیت ایشان طلب کوشش می کنیم:

(وَ أَعْنَا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَ الْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ ...)

«خداوند! ما را در ادای حقوق او و در تلاش برای فرمانپذیری از او و دوری از نافرمانی اش یاری فرما...»

### ✓ معصیت و نافرمانی نسبت به والدین:

(وَ بَرًّا بِوَالِدِيهِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا)<sup>۳</sup>

(یحیی) نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و (در برابر آنها) متکبر و نافرمان نبود.

و بالأخره در یک کلام، تقوی عامل اساسی دور نگه داشته شدن از معصیتها است.

### ۳. (وَصِدْقَ النِّيَّةِ):

«و صداقت و راستی نیت را روزی ام فرما»

**صدق:** راستی، درستی، مطابقت قول با واقعیت و یا مطابقت قول با اندیشه‌ی درونی.

**نیت:** قصد، خواسته

انسان موجودی مختار است و بر اساس تفکر، اندیشه، قصد و نیت تصمیم سازی، تصمیم گیری و یا گاهی هدف سازی و هدف گیری نموده و دست به عمل می‌زند؛ اگر قصد انسان خالصانه و صادقانه باشد عمل او نیز خالصانه خواهد بود ولی اگر نیتی مخدوش و غیر خالصی داشته باشد نتیجه اعمال او نیز مخدوش خواهد بود.

در عبادات، نیت اصل و شرط صحت عمل است و در امور عادی و روزمره‌ی زندگی مانند: غذا خوردن، خوابیدن و... شرط کمال و ثواب است.

**اهمیت نیت از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام**

قال علی علیه السلام: (النِّيَّةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ)<sup>۱</sup>

«نیت، اساس و بنیان عمل است.»

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

۷) (يَا أَبَا ذَرٍّ لَيْكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ حَتَّىٰ فِي النَّوْمِ

وَالْأَكْلِ)<sup>۲</sup> «ای ابو ذر! باید تو در هر چیزی نیت صالح داشته

باشی، حتی در خواب و خوراک.»

✓ (أَفْضَلُ الْعَمَلِ النِّيَّةُ الصَّادِقَةُ)

«با فضیلت ترین عمل، نیت صادق است.»

✓ (نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ)<sup>۱</sup>

«نیت مؤمن، بهتر از عمل است.»

قال الصادق عليه السلام:

(صَاحِبُ النِّيَّةِ الصَّادِقَةِ، صَاحِبُ الْقَلْبِ السَّلِيمِ)<sup>۲</sup>

«صاحب نیت صادق، صاحب قلب سلیم است.»

قال الكاظم عليه السلام:

(كَمَا لَا يَقُومُ الْجَسَدُ إِلَّا بِالنَّفْسِ الْحَيَّةِ، فَكَذَلِكَ لَا يَقُومُ الدِّينُ

إِلَّا بِالنِّيَّةِ الصَّادِقَةِ وَ لَا تَثْبُتُ النِّيَّةُ الصَّادِقَةُ إِلَّا بِالْعَقْلِ)<sup>۳</sup>

«همچنان که بدن جز با نفس زنده بقایب ندارد، دین نیز

جز با نیت درست برپا نمی ماند و نیت درست هم جز با

خرد، استوار نمی گردد.»

۱- میزان الحکمه، ح ۲۰۹۸۷. ۲- بحار، ج ۶۷، ص ۲۱۰.

۳- میزان الحکمه، ح ۲۱۰۲۵.

#### ۴ (و عرفان الحرمة):

«و شناخت حریم‌ها و حرامها را روزی ام فرما»

**عرفان:** (ادراک الشيء بتفکر و تدبیر لأثره و یضاده الانکار)<sup>۱</sup>

«درک کردن و دریافت چیزی، از روی اثر آن که با اندیشه

و تدبیر حاصل می‌شود و ضد آن انکار است.»

**الحرمة:** (ما لا یحل انتهاکة)<sup>۲</sup> «آنچه هتک آن روا نباشد.»

«آنچه از حقوق خدا (یا دیگران) که انجام دادن آن واجب

باشد یا حقی که نپذیرفتن و شکستن آن حرام باشد،

حرمت نامیده می‌شود.»<sup>۳</sup>

یکی از محورهای اصلی در علم اخلاق، شناخت حریمها،

حرمتها و رعایت خط قرمزها و رعایت آنهاست.

در فرهنگ دینی برای همه کس و همه چیز حریم و

حرمتی قرار داده شده و رعایت آن بر همگان واجب گردیده

است که حریم خداوند، حریم انبیاء و اولیاء، حریم مؤمنین،

حریم زمانها و مکانها و حتی حیوانات و گیاهان نیز از آن

جمله است.

قرآن در خصوص مراقبت از حریمهای الهی می‌فرماید:

(وَمَنْ يُعْظَمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ)<sup>۴</sup>

«و هر کس حرمت را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او

بهتر است.»

۱- مفردات راغب.

۲- النهایه، ج ۱، ص ۳۷۳.

۳- فرهنگ ابجدی، ج ۱، ص ۲۳۶.

۴- حج، ۳۰.



امام صادق علیه السلام در روایتی به پنج حرمت دینی اشاره کرده و می‌فرمایند: <sup>۱</sup> «حرمت‌های الهی پنج چیز است: حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله، حرمت آل رسول صلی الله علیه و آله، حرمت کتاب الهی، حرمت کعبه و حرمت مؤمن»

بدیهی است برای مصونیت از هتک حرمت‌های الهی و ارتکاب ممنوعیتها، شناخت گناهان امری لازم است.<sup>۲</sup> یکی از مشکلات امروز نسل جوان حریم شکنی و تشویق آنان به عبور از خط قرمزهاست، پرده دری و شکستن مقدسات و بی‌احترامی و عدم تکریم لازم به والدین، اساتید، یا قوانین الهی، آثار شوم و خطرناکی به دنبال خواهد داشت. این خصوصیت راه نفوذی برای مکاتب غربی و بیگانگان، در افکار و اندیشه‌ها و سنن دینی و اجتماعی بوده و زمینه‌سازی برای فروپاشی نهاد خانواده و اصالت‌های اجتماعی جوامع اسلامی به شمار می‌رود.

۱- اصول کافی، ج ۸، ص ۱۰۷.

۲- در کتاب «معمرات اسلام» نوشته سید محمد حسینی بهارنچی ۱۸۵ گناه فهرست شده و در کتاب گناهان کبیره مرحوم آیت الله دستغیب نیز گناهان کبیره معرفی گردیده است.

## ۵/ (وَ أَكْرَمِنَا بِالْهُدَىٰ وَ الْإِسْتِقَامَةِ)

«و ما را به واسطه هدایت و پایداری گرامی دار.»

گرم: احسان و انعام آشکار را گویند.

هدی: راه درست، راهنمایی، ضد ضلال و گمراهی

إِسْتِقَامَةٌ: ملتزم شدن به حرکت در راهی که بر یک خط

هموار و مستقیم استوار است.<sup>۱</sup>

به استناد این قسمت از دعا، هدایت و استقامت دو کلید برای

رسیدن به کرامت است که یکی جنبه نظری و دیگری جنبه

عملی دارد. برای پی بردن به اهمیت صفت کرامت، توجه به

این نکات ضروری است که:

✓ خداوند متعال «کریم»<sup>۲</sup> است.

✓ رسولان بزرگوار او «کریم»<sup>۳</sup> اند.

✓ کتاب آسمانی قرآن «کریم»<sup>۴</sup> است.

همچنین یکی از صفات برانندهی انسان در قرآن «کرامت»

اوست.

(وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ...) <sup>۵</sup> «ما بنی آدم را گرامی داشتیم...»

کرامت گاهی کرامت معنوی و اکتسابی و نزد خداست مثل

کرامتی که خاصّ اهل تقواست: (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ)

و گاهی در آفرینش، نظیر: (أَحْسَنُ تَقْوِيمٍ) که در خلقت انسان

آمده است و مراد از کرّما در آیهی: «وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»،

۱- مفردات راغب.

۲- (یا ایها الانسان ما غرک برّیک الکریم) (انفطار، ۶).

۳- (و جاء هم رسول کریم) (دخان، ۱۷).

۴- (إنه لقرآن کریم).

۵- اسراء، ۷۰.

احتمالاً وجه دوم باشد. کرامت انسان هم در خلقت و هوش و عقل و استعداد است و هم در دارا بودن قانون آسمانی و رهبری معصوم و مسجود فرشتگان واقع شدن.<sup>۱</sup>

در مجموع، اکرام و امتیاز خداوند در مورد انسان نسبت به سایر موجودات قطعی است و راه دستیابی به کرامت حقیقی انسان، ارتباط بیشتر و بهتر انسان با پروردگار کریم، رسول کریم و کتاب کریم و سائر کریمان است.

همچنین برای بهره‌مندی هر چه بیشتر از اکرام الهی، دعا و درخواست کرامت و کسب تقوی و انسانیت بیشتر مؤثر خواهد بود. در این عبارت از دعای امام زمان علیه السلام از خداوند می‌خواهیم که ما را با هدایت به مسیر حق و نگاهداری در آن، اکرام فرماید.

هدایت و راهنمایی شدن سرآغاز حرکت و یافتن مسیر است، اما به معنای اتمام کار نیست بلکه به معنای شروع مسیری است که پیمودن آن و منحرف نشدن از آن دشواری‌های متعددی به دنبال دارد، از اینرو طلب استقامت و ثبات قدم در صراط مستقیم نیز پس از هدایت خواهی مطرح شده است. (إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)<sup>۲</sup>

قرآن می‌فرماید:

(وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا)<sup>۳</sup>

«و این که اگر آنها (جن و انس) در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم»

۲- حمد، ۶.

۱- تفسیر نور، ج ۷، ص ۹۳.

۳- جن، ۱۶.

قرآن در خصوص اهمیت استقامت می‌فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ)<sup>۱</sup>

«به یقین کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.»

در عصر غیبت نیز صبر و استقامت از مهمترین عوامل نگاهدارنده‌ی منتظران خواهد بود.

قال رسول الله ﷺ: (انْتَظِرُ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَهُ)<sup>۲</sup>

«صبورانه در انتظار فرج بودن عبادت است.»

پس "هدایت" و "استقامت" دو کلید طلایی برای دست یابی به گنج کرامت است و یا به تعبیری دیگر، هدایت و استقامت به منزله‌ی دو بال برای پرواز به اوج قله‌ی کرامت می‌باشند.

۱- فصلت، ۳۰.

۲- میزان الحکمه، ح ۱۱۹۸.



﴿وَسَدِّدْ ألسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ﴾

«وزبانهای ما را به وسیله‌ی حکمت و سخن نیکو استوار فرما»  
**سَدِّدْ:** استوار ساز، سِداد و تسدید: هو الصواب من القول و العمل<sup>۱</sup>

**ألسِنَتَنَا:** زبانهای ما، لسان: زبان

**صواب:** ضد الخطاء، مرضیاً بحسب مقتضی العقل و الشرع  
 «صواب ضدّ خطاء را گویند، آنچه مورد رضایت عقل و شرع باشد سخن صواب یعنی درست سخن گفتن و لحاظ کردن زمان، مکان، و بررسی انگیزه‌ی صحبت، و عاری بودن کلام از خطا.

**حکمت:** یعنی به حق رسیدن با علم و عقل و واقف شدن بر امر حقی که باطلی در آن نیست.<sup>۲</sup>

یکی از مهمترین نشانه‌های شخصیتی و تربیتی، کسب مهارت گفتن و خوب گفتن است، چرا که زبان مهمترین عامل ارتباطی میان انسانها و کارآمدترین ابزار انتقال معلومات و دانستنی‌هاست.

انسان در هر شبانه روز با زبان خود هزاران پیام را به دیگران منتقل می‌کند و چنانچه این پیامها بر دو پایه حکمت و صداقت استوار باشد، بیانگر تعالی شخصیت گوینده و موجب رشد فرهنگ، اخلاق و اطلاعات مخاطبان خواهد شد.

۱- مجمع البحرین.

۲- مجمع البیان، ذیل آیه ۳۲، سوره

از این عبارت دعا می‌توان فهمید که مکالمات ما باید براساس دو فضیلت حکمت و دقت (درست و مطابق با واقع) باشد که در صورت آمیختگی گفتار با حکمت و صداقت از لغزشهای بی‌شمار گفتاری مصون خواهیم ماند و کلام ما سازنده و مفید خواهد گشت.

در کتاب «آفات زبان»<sup>۱</sup> بیش از صد خطای گفتاری برای زبان شمارش شده است که با مطالعه‌ی آن کتاب، می‌توان به اهمیت و حساسیت این دعای امام زمان علیه السلام پی برد و فهمید که چرا از بین همه‌ی اعضاء، اولین دعای حضرت در خصوص استواری و حفظ زبان از خطا می‌باشد. در روایات آخرالزمان آمده است بیشترین آسیب و خطر از ناحیه زبان به‌ایمان افراد وارد خواهد شد.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

(إِنَّ هَذَا اللُّسَانَ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ وَ شَرٍّ فَيَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَخْتِمَ عَلَى لِسَانِهِ كَمَا يَخْتِمُ عَلَى ذَهَبِهِ وَ فِضَّتِهِ)<sup>۲</sup>

«همانا این زبان کلید هر خوبی و بدی است، پس شایسته است مومن بر زبان خود مهر زند همان‌گونه بر زر و سیم خویش مهر می‌زند.»

۱- اثر

۲- میزان الحکمه حدیث ۱۸۱۶۷

﴿وَأَمَلْنَا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ﴾

«و دل‌های ما را از علم و معرفت لبریز فرما»

املاء: پر کردن

قلب: ذهن، دل و روان

علم: دانش، آگاهی

معرفت: ادراک، شناخت خاص

دل انسان در ابتدای آفرینش، ظرفی خالی است که آماده‌ی پذیرش و دریافت حقایق، معارف و انوار قدسی می‌باشد. قلب آدمی بزرگترین سرمایه‌ی خدادادی اوست که می‌تواند ظرفی نیکو برای علوم و معنویت باشد. اگر چنانچه این ظرف خالی از علم بماند، موجبات سبکسری، خطاکاری، و آفت‌زدگی شخصیت انسان را فراهم می‌آورد.

به استناد این دعا آنچه که شخصیت بالقوه‌ی انسانها را به فعلیت می‌رساند و آنها را به سوی کمال سوق می‌دهد، علم است. آنها نه علم اندک، بلکه علم فراوان و لذا حضرت می‌فرمایند: ﴿وَأَمَلْنَا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ﴾.

خداوند در قرآن کریم به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور می‌دهد: (قُلْ

رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا)<sup>۱</sup> «بگو: خدایا علمم را زیادتی بخش.»

و در سخنان اهل بیت عليهم السلام نیز در شرافت علم و معرفت صدها روایت نقل شده است. امام باقر عليه السلام می‌فرماید:

(عَالِمٌ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفٍ عَابِدٍ)<sup>۲</sup>

«وجود عالمی که از علمش بهره برد برتر از هفتاد هزار

عابد است.»

﴿ ۸ ﴾ (وَ طَهَّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشَّبَهَةِ)

«و شکمهای ما را از خوردنی های حرام و شبهه ناک پاک کن.»

طَهَّرَ: پاکیزه گردان

بطون: شکمها، جمع بطن

حرام: نقیض حلال، ممنوع<sup>۱</sup>

شبهه: التباس، عدم تمیز داده شدن میان دو چیز به خاطر همسانی و شباهت میان آن دو،<sup>۲</sup> قابل تشخیص نبودن حلال و حرام و حق و باطل از یکدیگر

یکی از اصول مهم اخلاقی و تربیتی در اسلام اصل پاک زیستی اقتصادی و پرهیز از محرّمات در کسب و درآمد و مصرف، بخصوص در خوردن و آشامیدن است، چرا که تغذیه به صورت مستقیم و غیر مستقیم در نورانیت و ظلمت دل انسان و نیکوکاری و بدکاری او تأثیر دارد و توجه به رزق پاک مقدمه‌ی توفیق یافتن برای اعمال خیر دیگر است، چنانچه قرآن می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا...)<sup>۳</sup>

«ای پیامبران، از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید...»

براساس این آیه شریفه بین «عمل صالح» و «تغذیه پاک» نسبتی دو طرفه و مستقیم برقرار است، امری که بیشتر افراد نسبت به آن غافلند.

۲- مفردات.

۱- قاموس، ج ۳، ص ۱۲۳.

۳- مؤمنون، ۵۱.





بر اساس یک تقسیم بندی خوردنی ها و آشامیدنی ها به سه دسته تقسیم می شوند:

✓ **بَيْنُ الْغَيِّ**: غذاهایی که ناپاک بودن و حرام بودن آنها مسلم و آشکار است. مانند: گوشت خوک، گوشت میت، شراب، مال دزدی و مال ربوی، اموال خمس داده نشده، خوردنی های نجس، همه نجاسات و ...

✓ **بَيْنُ الرُّشْدِ**: غذاهایی که پاک بودن و حلال بودن آنها مسلم است. مانند: ارث، مال خمس داده شده، گوشتهای حلال و ذبح صحیح شده و ...

✓ **مشکوک و مشتبه**: خوردنی هایی که حلال بودن یا حرام بودن آنها معلوم نیست. مثل: خوردن از غذای کسی که مشکوک است که خمس می دهد یا نه و یا درآمد فردی که در معاملات اقتصادی رعایت حلال و حرام را نمی کند یا نجاسات و پاکی را رعایت نمی کند و ...

در این دعا امام زمان علیه السلام نه تنها از خدا توفیق پرهیز و نزاهت از محرّمات را طلب می نماید، بلکه توفیق پرهیز و دوری از امور مشکوک و شبهه را نیز از خدا درخواست می نماید، چرا که لطافت و نزاهت روحی مؤمن به هیچ وجه نباید دچار کدورت و تاریکی گردد. در سخنان اهل بیت علیهم السلام در خصوص شبهه آمده است:

قال علی علیه السلام:

✓ (لا وَرَعٌ كَالْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ)<sup>۱</sup>

«هیچ ورعی مانند توقف نزد موارد شبهه ناک نیست.»

✓ (الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْإِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ)<sup>۱</sup>

«توقف نزد شبهات از فرو رفتن در مهلکه‌ها بهتر است.»

تقوی سه قسم است:

۱. تقوی خاص الخاص و آن ترک حلال و مباح است

۲. تقوی خاص که آن پرهیز از شبهات است.

۳. تقوی عام و آن پرهیز از محرمات است.

اخلاق اقتصادی حکم می‌کند که انسان از حرام و شبهه

پرهیز کند و به مرزهای ممنوعه وارد نشود. در روایات در

خصوص تأثیر منفی غذای حرام بر معنویت انسان آمده است:

قال رسول الله ﷺ :

✓ (مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً مِنْ حَرَامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً)<sup>۲</sup>

«هر کس یک لقمه‌ی حرام بخورد، نماز چهل شبش

پذیرفته نشود.»

✓ (إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حَرَّمَ الْجَنَّةَ جَسَداً غُذِيَ بِحَرَامٍ)<sup>۳</sup>

«خدای عزوجل بهشت را بر بدنی که از مال حرام تغذیه

شود، حرام کرده است.»

قال الباقر عليه السلام : (إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَصَابَ مَالاً مِنْ حَرَامٍ لَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ

حَجٌّ وَلَا عُمْرَةٌ وَلَا صَلَاةٌ رَحِمَ حَتَّىٰ أَنَّهُ يُفْسَدُ فِيهِ الْفَرَجُ)<sup>۴</sup>

۲ - میزان الحکمه، ح ۳۶۶۰.

۱ - بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۹.

۴ - همان - ج ۳۶۶۶.

۳ - همان، ح ۳۶۶۱.

«هرگاه انسان مالی از حرام به دست آورد، نه حجّی از او پذیرفته شود، نه عمره‌ای و نه صله‌ی رحمی و حتّی در کار ازدواج و فرزندان او تأثیر سوء می‌گذارد.»

قال رسول الله ﷺ:

(الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ - وَقِيلَ عَلَى الْمَاءِ) <sup>۱</sup>

«عبادت کردن با وجود حرام خوری، مانند ساختن بنایی است بر روی شن - و به قولی بر روی آب -»

در این بخش از دعا از خداوند طهارت بطن از غذای حرام را طلب می‌کنیم تا از آثار سوء دنیوی، اخروی و اخلاقی آن مصون بمانیم.

﴿وَ اكْفُفْ أَيْدِينَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرْقَةِ﴾

«و دستان ما را از ظلم و دزدی باز دار»

**کَفَفَ:** بازداشتن، دفع کردن با دست یا غیر دست

**أیدی:** جمع ید، به معنای دستان

**ظلم:** ستم، قرار گرفتن چیزی در غیر موضعش

**سرقه:** دزدی، برداشتن چیزی (از مال غیر) در خفا و

پنهانی که نبایستی برداشته شود.<sup>۱</sup>

در عبارت قبلی بیشتر توجه به سلامت اقتصاد فردی بود، اما در این عبارت علاوه بر توجه به ظلم زدائی و پرهیز از آن، به سلامت اقتصاد جمعی و قانونمند بودن روابط مالی بین آحاد یک جامعه و نفی سرقت توجه شده است، چرا که بی عدالتی و رعایت نکردن حقوق طبقات دیگر و دستبرد به اموال خصوصی و عمومی، سبب درهم ریختگی روابط اجتماعی و آشفتگی نظام اقتصادی و ناامنی مالی می‌گردد و همین امر مقدمه‌ای برای از هم گسیختگی نظم اجتماعی و هرج و مرج و حرامخوری می‌شود. تعبیر دست به «ایدینا» در این عبارت کنایه از قدرت بر انجام کار و بکارگیری توان و انرژی در انجام امور است. باید توجه داشت دستانی توانایی یاری دین و اصلاحگری دارند که خود از هرگونه آلودگی پاک باشند.

قدرت و دستیان مؤمنین در مسیر عدالت گستری در همه عرصه‌ها و رونق بخشی اقتصادی از طریق سالم باید به کارگرفته شود.



امام زمان علیه السلام در این عبارت از دعا برای مؤمنین و جامعه‌ی اسلامی، دستانی عدالت گستر و پاک در معاملات اقتصادی، از خدا درخواست می‌نمایند، بخصوص در دوره آخرالزمان که روایات بسیاری در خصوص رواج ظلم و بی‌عدالتی و خیانت‌های اقتصادی وارد شده است.

امام رضا علیه السلام در بیان حکمت حرمت دزدی می‌فرمایند:  
 «خداوند دزدی را حرام فرمود چون اگر مباح بود موجب تباهی اموال و آدم کشی می‌شد و به خاطر اینکه غصب اموال یکدیگر مایه‌ی کشتار و درگیری و حسد ورزی نسبت به یکدیگر می‌شود و نیز چون موجب می‌شود که تجارت و پیشه‌وری ترک شود و اموال و ثروت‌های به ناحق و ناروا به دست آید.»<sup>۱</sup>

﴿۱۰﴾ (وَاعْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ)

**عَضَّ بَصْرًا:** کوتاه کردن نگاه، خیره نگاه نکردن  
**فُجُورًا:** شکافتن و پاره کردن پوشش. (گناه را فجور گویند زیرا پرده‌ی دیانت را پاره می‌کند)<sup>۱</sup>  
**خِيَانَةً:** مخالفت با حق و پیمان شکنی پنهانی<sup>۲</sup>

یکی از مهمترین موهبت‌های الهی و از جمله ابزارهای شناخت و برقراری ارتباط با جهان پیرامونی برای انسان چشم است.

استفاده‌ی صحیح از این نعمت و کسب مهارت بر چگونگی بهره‌گیری از آن، از راهکارهای لازم تربیتی می‌باشد. در کنار مراقبت‌های بهداشتی از چشم، مراقبت‌های اخلاقی از چشم در برابر خطاهای دیداری و نیالودن آن به گناه و خیانت‌ها ضروری است.

چشم دریچه‌ی قلب است<sup>۳</sup> و تأثیرات متقابلی بین این دو وجود دارد، اگر پاک باشد دل پاک می‌ماند و اگر آلوده شود، دل تیره و تار می‌گردد، قرآن می‌فرماید:

(يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ)<sup>۴</sup>

«او چشم‌هایی را که به خیانت می‌نگرد و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند.»

۱- قاموس، ج ۵، ص ۱۵۲. ۲- مفردات.

۳- قال علی (ع): (الْقَلْبُ مُصْحَفُ الْبَصَرِ) «دل، کتاب دیده است»

میزان الحکمه، ح (۲۰۲۳۴). ۴- غافر، ۱۹.

در تفسیر نمونه آمده است:

«البته خیانت چشمها اشکال مختلفی دارد: گاه به صورت نگاههای دزدکی و استراق بصر نسبت به زنان بیگانه است و گاه به صورت اشاراتی با چشم است به منظور تحقیر یا عیبجویی از دیگران و یا اشاراتی که مقدمه‌ی توطئه‌ها و نقشه‌های شیطانی است»<sup>۱</sup>

توجه به فرمایشات معصومین علیهم‌السلام در خصوص ضرورت پاک نگاه داشتن چشم، سودمند است.

حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: (لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقْلَ شُكْرًا مِنْ الْعَيْنِ، فَلَا تُعْطَوْهَا سُؤْلِهَا فَتَشْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ)<sup>۲</sup>  
«در بدن عضوی کم سپاس‌تر از چشم نیست، پس خواهش آن را برآورده نسازید که شما را از یاد خدای عزوجل باز می‌دارد.»

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

✓ (غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ)<sup>۳</sup>

«چشمان خود را (از حرام) فرو بندید تا شگفتی‌ها را ببینید.»

✓ (لِكُلِّ غُضْوٍ مِنْ ابْنِ آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزُّنَا: الْعَيْنُ زِنَاهَا النَّظْرُ)<sup>۴</sup>

«برای هر عضوی از اعضای آدمیزاد بهره‌ای از زناست، زنا‌ی چشم نگاه کردن است.»

۲- میزان الحکمه، ح ۲۰۲۴۶.

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۶۶.

۴- همان، ح ۲۰۲۷۴.

۳- همان، ح ۲۰۲۶۲.

✓ (النَّظْرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ ابْلِيسَ، فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنْ  
اللهِ أَعْطَاهُ اللهُ اِيْمَانًا يَجِدُ حِلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ) ۱

«نگاه کردن یکی از تیرهای زهرآلود ابلیس است، پس هر  
کس از ترس خدا چشم خود را (از گناه) فرو بندد، خدا  
به او ایمانی دهد که حلاوت آنرا در دلش بیابد.»

در این بخش از دعا، امام زمان علیه السلام برای پاکی چشم امت  
خویش دست به دعا برمی دارند و بجاست منتظران دیدار  
آن امام همام از نگاههای آلوده پرهیزند و در این صورت  
است که سعادت ملاقات و دیدار حضرت را خواهند یافت.

﴿۱۱﴾ (وَأَسَدُّ أَسْمَاعِنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ)

سَدُّ: بازداشتن،

أَسْمَاعٍ: جمع سمع، گوشها

لَغْوٍ: لغو در کلام، خبری است که قابل توجه نبوده و از روی دقت و اندیشه گفته نشود.<sup>۱</sup>

غَيْبَةٍ: بدگویی از کسی که حضور ندارد به عیبی که در او باشد.

مدیریت صحیح عضو شنیداری در کنار عضو دیداری، راه نفوذ افکار شیطانی و مسمومیت‌های روحی را بر انسان می‌بندد. از میان گناهان سمعی در این دعا به دو گناه شایع و پر ابتلاء اشاره شده است، چرا که بسیاری از افراد متدین گوشهای خود را از شنیدن موسیقی‌های حرام حفظ می‌کنند اما در برابر شنیدن غیبت و لغو چندان مراقبت به عمل نمی‌آورند.

لغو به کلامی گفته می‌شود که هیچ فایده‌ی دنیوی یا اخروی بر آن مترتب نیست؛ هر چند شنیدن و گفتن کلام لغو حرام نیست، اما سبب کاهش نورانیت دل شده و گوش و زبان را به مرز شنیده‌ها و دیده‌های حرام نزدیک می‌کند. قرآن کریم یکی از نشانه‌های مؤمنین کامل را اعراض و روی گردانی از لغو می‌داند و می‌فرماید:

(قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ \* ... \* وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ \*)<sup>۲</sup>

«به تحقیق مؤمنان رستگار شدند \* ... \* و آنانکه همواره از

لغو روی گردانند \*»



اما «غیبت» آن است که انسان از عیب مؤمنی در غیاب او به نحوی یاد کند که اگر او حضور می‌داشت از شنیدن آن رنجیده خاطر می‌گشت، البته این به شرطی است که وجود آن عیب حقیقت داشته باشد و الا اگر چنین عیبی در او نباشد «بهتان» محسوب می‌گردد و اگر آن عیب در حضور او گفته شود «شتم» (فحش) و اهانت به مؤمن به شمار می‌آید که هر سه مورد از گناهان کبیره است، اما از آنجا که در بهتان، با کشف واقعیت، آبروی رفته‌ی مؤمن باز می‌گردد و در شتم نیز مؤمن حضور دارد و می‌تواند از خود دفاع کند، اما در غیبت هیچکدام از این دو خصیصه وجود ندارد، حرمت و ضرر غیبت به مراتب از آن دو بیشتر است؛ در این دعا از آن جهت که شنیدن غیبت، خود نوعی آلودگی قلبی برای مؤمن ایجاد می‌کند<sup>۱</sup> و شنیدن غیبت و لغو از شایع‌ترین خطاهای شنیداری است، حضرت از خدا درخواست بسته بودن گوشها از این دو خطا را دارند.

قرآن کریم غیبت را به خوردن گوشت برادر مومن وفات یافته تشبیه می‌کند و می‌فرماید: (وَلَا يَغْتَابَ بَعْضُكُم بَعْضًا أُيْحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا...)<sup>۲</sup>

«برخی از شما از برخی دیگر غیبت نکنند، آیا یکی از شما دوست می‌دارد گوشت برادر مرده‌ی خویش را بخورد؟...»

۱- (قال علی (ع): سامع الغيبه أحد المفتابین) «شنونده غیبت یکی از دو غیبت کننده است.» (بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۲۶).

۲- حجرات، ۱۲



۱۲/ (وَ تَفَضَّلْ عَلٰی عُلَمَاءِنَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيحَةِ)

تفضل: زیادی، برتری، عطیه، احسان و رحمت<sup>۱</sup>

زهد: ضد رغبت، بی رغبتی و بی توجهی به دنیا

نصیحت: اندرز به آنچه که مصلحت است و نهی از آنچه که بد است،<sup>۲</sup> پند خالصانه و خیرخواهانه.

کسوت علم برای عالمان، کسوتی است مقدس و زیبا که در صورت بی رغبتی آنان به دنیا، و خیرخواهی آنان برای مردم، زیباییهای بی شمارش آشکار می گردد و آثار وجودی نافع و مفیدی برای مردم خواهد داشت، اما در صورت دنیاگرایی و مردم گریزی، نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه مشوق مردم بسوی هواپرستی و دنیا گرایی می شود.

دانشمندان دنیا طلب و غیر خیرخواه برای مردم علاوه بر سوء استفاده‌ی شخصی از فضیلت علم، زمینه‌های رشد و حاکمیت زورمندان و زر دوستان را نیز فراهم می سازند و خطر آنان را چند برابر بزرگتر می نمایند.

عالمان باید «زاهد» و «ناصح» باشند که این دو، دو صفت کلیدی و سرنوشت ساز برای نافع بودن آنان است. آنان باید:

✓ بی میل به دنیا و دوست مردم باشند.

✓ دنیا گریز و مردم گرا باشند.

✓ انسانهای با معنویت و در بین مردم باشند.

✓ آخرت گرا و در خدمت مردم باشند.

✓ انسانهای پاک و منزّه از حرام و مردمی باشند.

✓ به حداقل دنیا قانع و خواستار رفاه و خیر مردم باشند.

اگر عالمی دنیا زده شود مردم از برکات علمیش بی بهره می‌شوند و چنین علم و عالمی تنها به خدمت دنیاپرستان درخواهد آمد، در صورتی که فلسفه‌ی وجود عالم دینی، خدمت به معنویت و خلق خداست و نه سرعت بخشیدن به گرایش‌های دنیوی و مادی.

ارزش والای علم آن است که دیگران در برابرش سر تسلیم فرود بیاورند نه اینکه علم اسباب سوء استفاده دنیا پرستان گردد. عالم دنیا پرست، علم را در خدمت صاحبان زر و زور و تزویر قرار می‌دهد.

توجه به آثار منفی دنیا پرستی عالمان دینی و آثار درخشان زهد و بی‌رغبتی آنان به دنیا، ضرورت وجود این صفت برای دانشمندان دین را روشن می‌سازد.

در تعریف زهد آمده است: «زهد عبارت است از برکنیدن دل از دنیا و لذت‌های حلالش با وجود میل به آن و اکتفا به قدر ضرورت از دنیا برای کسب هدفی برتر و بالاتر که همان رضایت خداست.»

شهید مطهری رحمته الله علیه درباره‌ی صفت زاهد می‌فرمایند:

«زاهد کسی است که به حسب طبیعت و غریزه، به لذت مادی رغبت دارد ولی به خاطر هدفها و منظورها، بخصوص عمل و رفتارشان مانند عمل مردم بی‌رغبت است، یعنی از چیزی که به آن میل و رغبت دارد به خاطر هدفی صرف نظر می‌کند... زهد یعنی انسان از امور مورد طبع خودش به خاطر هدفی دست بردارد.»

زاهد با کناره‌گیری از دنیا و لذت‌های حلال آن، اولاً از آفات دنیا مصون می‌ماند و در طاعت و بندگی توفیق بیشتری

می یابد و ثانیاً در روز حساب، از حسابرسی حلال و عقاب حرام محفوظ می ماند.

زاهد کسی است که هم از حرامهای دنیا اجتناب می کند و هم از حلالهای آن.

اما صفت دیگری که مبلغین دینی و سائر دانشمندان بدان نیازمندند صفت نصیح و خیر خواهی است؛ انبیاء الهی خود را دارای این صفت معرفی می کرده اند:

۷ (أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ)<sup>۱</sup>

[شعیب به قومش گفت:] رسالتهای پروردگارم را به شما

ابلاغ کردم و برای شما خیر خواهی نمودم.]

۷ (وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ)<sup>۲</sup>

[صالح به قومش گفت] من شرط خیر خواهی را انجام

دادم ولی شما خیر خواهان را دوست ندارید.]

وجود این صفت در دانشمندان سبب می شود که در امر خدمت رسانی به مردم و ترویج معنویت موفقیت افزونتری داشته باشند و به قول شاعر:

**آن سخن کز دل بر آید      لاجرم بر دل نشیند**

و از آنجا که دو صفت «زهد» و «خیر خواهی» برای علمای دین و سائر دانشمندان به جهت ایجاد شدن فضای اعتماد پیش مردم و آنان بسیار حائز اهمیت است، امام زمان علیه السلام از فضل خداوند آندو را برای عالمان و مبلغان دینی درخواست می نمایند.

### ﴿۱۳﴾ (وَ عَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ)

**متعلم:** دانش آموز، افراد واجب التعلیم

**جهد:** تلاش خستگی ناپذیر و بکارگیری تمامی ظرفیت وجودی، وادار کردن خود بر مشقت<sup>۱</sup>

رغبة: وسعت و توانایی در اراده، هرگاه این کلمه با «فی» و «الی» متعدی شود، به معنای تمایل و علاقه‌ی شدید خواهد بود.<sup>۲</sup>

از نشانه‌های یک جامعه‌ی زنده و پویا، وجود عطش علم آموزی در آن جامعه است. برای گسترش علم در کنار لزوم وجود دانشمندان خیرخواه و زاهد، وجود دانش پژوهان کوشا و علاقه مند نیز ضروری است.

آنچه که علم عالم را حفظ، نشر و مثمر ثمر می‌نماید، وجود دل‌هایی آماده برای پذیرش و بکارگیری علم است تا با دریافت بذر دانش و نگهداری و مراقبت از آن، در نشر و رشد و شکوفایی علم ایفای نقش نمایند.

وجود تلاش بی وقفه و علاقه نسبت به فراگیری علم، در دانش پژوهان، در کنار رشد متعلمین، معلمان را نیز به تربیت امیدوار و مشتاق می‌سازد و هر کجا جامعه‌ای با نور علم منور باشد مدیون این رابطه‌ی دو طرفه بین استادان و ناگردان عاشق علم بوده است. در روایات اهل بیت علیهم السلام، باره‌ی جایگاه رفیع دانش پژوهی احادیث فراوانی وارد شده است.

قال علی علیه السلام :

(مَنْ جَاءَتْهُ مَنِيَّتُهُ وَهُوَ يَطْلُبُ الْعِلْمَ فَيَبِينُهُ وَبَيْنَ الْأَنْبِيَاءِ دَرَجَةٌ)<sup>۱</sup>  
 «هر کس در حال طلب دانش مرگش فرا رسد، میان او و پیامبران تنها یک درجه تفاوت باشد.»

قال رسول الله صلی الله علیه و آله :

✓ (مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ)<sup>۲</sup> «هر کس برای آموختن دانش راهی را بپیماید، خداوند او را بر یکی از راههای بهشت برد.»  
 ✓ (إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ تَبَسُّطُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ أُجْنِحَتَهَا وَتَسْتَغْفِرُ لَهُ)<sup>۳</sup>  
 «فرشتگان بالهای خود را برای جویندهی دانش می گسترانند و برایش آمرزش می طلبند.»

امام زمان علیه السلام برای تشکیل یک جامعه دینی، وجود دانش پژوهان کوشا، با نشاط و مشتاق را شرطی لازم دانسته و برای امت اسلام از درگاه خداوند، «تلاش» و «علاقه مندی» را درخواست می نمایند.  
 متولیان فرهنگی و خانواده‌ها لازم است برای مثمر ثمر واقع شدن تلاشهای علمی و فرهنگی جوانان و فرزندان خویش، بکوشند تا در آنان انگیزه و رغبت علمی ایجاد نمایند.

۲ - همان، ح ۱۳۷۷۹.

۱ - میزان الحکمه، ح ۱۳۷۷۳.

۳ - همان، ح ۱۳۷۷۷.



﴿ ۱۴ ﴾ (وَ عَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالِاتِّبَاعِ وَ الْمَوْعِظَةِ)

او به شنوندگان، تبعیت و پند پذیری عنایت فرما»

**مستمع:** شنونده، استماع: یعنی گوش فرا دادن و دقت در شنیدن فراگیر

**تباع:** پیروی و فرمانبری

**موعظة:** (النُّصْحُ وَ التَّذْكَيرُ بِالْعَوَاقِبِ)، «نصیحت کردن و ذکر دادن نسبت به عواقب امور به طوری که قلب بدان لطیف و روشن شود.»<sup>۱</sup>

ال رسول الله ﷺ: (أَعْدُ عَالِماً أَوْ مُتَعَلِّماً أَوْ مُسْتَمِعاً أَوْ مُحِبّاً لَا تَكُنْ خَامِساً فَتُهْلِكَ)<sup>۲</sup> «یا معلم باش، یا فراگیرنده ی علم، شنونده ی علم و یا دوستدار آن و پنجمین (غیر این چهار روه) نباش که هلاک می شوی.»

بامبر اکرم ﷺ در این حدیث مردم را به پنج گروه تقسیم دی نموده اند که یک گروه بی تفاوت نسبت به تعلیم و بیت و آموزش را به هلاکت افتاده و چهار گروه مرتبط و نال در کار آموزش و تربیت را نجات یافته معرفی می نمایند.

نی از مهمترین ابزارهای آموزشی گوش و یکی از بهترین یوه های پیشرفت علمی مهارت در گوش دادن و استماع ت که البته خود مقدمه ای برای پیروی و پند پذیری باشد؛ استماع واقعی موجب نجات از جهنم است، استماع گوش جان سپردن به معارف دینی، برای دریافت نور علم

شرطی اساسی است، چنانچه وقتی ملائکه الهی علت جهنمی شدن اصحاب آتش را از ایشان می پرسند، آنان در جواب می گویند: (وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ)<sup>۱</sup> «و می گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم و یا تعقل می کردیم (الآن) در میان اهل دوزخ نبودیم.»

روایات اهل بیت علیهم السلام به گوش شنوا داشتن اهمیت ویژه ای داده است، حضرت علی علیه السلام می فرماید:

۷ (عَوْدُ أُذُنِكَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ)<sup>۲</sup>

«گوش خود را به خوب شنیدن عادت بده.»

۷ (مَنْ أَحْسَنَ الْإِسْتِمَاعِ تَعَجَّلَ الْإِنْتِفَاعِ)<sup>۳</sup>

«هر کس خوب گوش دهد زود بهره می برد.»

۷ (رَحِمَ اللَّهُ إِمْرَأً سَمِعَ حُكْمًا فَوَعَى وَ دُعِيَ إِلَى رِشَادٍ فَدَنَا

وَ أَخَذَ بِحُجْزَةِ هَادٍ فَنَجَا)<sup>۴</sup>

«خدا رحمت کند مردی را که سخن حکیمانهای شنید و

آنها پذیرفت و به راه راست خوانده شد و بدان نزدیک

گشت و دامان راهنما را گرفت و نجات یافت.»

۷ (إِنَّ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَ قَبْلَهُ)<sup>۵</sup>

«شنواترین گوشها، گوششی است که پند و اندرز را بشنود و

پذیرا شود.»

۲ - میزان الحکمه، ح ۸۱۹۹

۱ - ملک، ۱۰.

۴ - همان، ح ۸۱۹۰

۳ - همان، ح ۸۹۰۱

۵ - همان، ح ۸۱۹۳

در واقع کسی که قلبی آماده دارد، گوشی شنوا دارد و هر که غفلت سراپرده‌ی قلبش را بپوشاند گوش قلبش کر خواهد شد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

بیچ دلی نیست جز اینکه دارای دو گوش است: کنار یکی از آنها فرشته‌ای راهنما قرار دارد و کنار دیگری شیطان‌ی نواگر. این به او فرمان می‌دهد و آن دیگری او را باز می‌دارد.

در این عبارت از دعا، امام زمان علیه السلام دو خصلت ضروری و مورد نیاز مستمعین را از خداوند درخواست می‌کنند:

۷ «اتباع» و پیروی به معنای به عمل در آوردن دریافتهای علمی و تبدیل دریافتهای ذهنی به رفتار و عینیت خارجی است.

۷ «پند پذیری»، پذیرش و اثر پذیری از کلمات حکمت‌میز و مطالب علمی و تذکرات و هشدارها بوسیله داشتن گوش دل و شنیدن سخن حق با آن.

۱۵ (وَ عَلٰی مَرَضِ الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَ الرَّاحَةِ)

«و به بیماران مسلمین شفا و راحتی (از بیماری) عنایت کن.»

**مَرَضِي:** بیماران، جمع مریض

**مُسْلِمِينَ:** جمع مسلم، کسی که تسلیم فرمان خدا و رسول اوست.

**شِفَاء:** آنچه که سبب درمان بیماری می شود. (ما یبری من السَّقْمِ)<sup>۱</sup>

**راحة:** آسایش، بر طرف شدن سختی و مشقت<sup>۲</sup>

یکی از مسئولیتهای فردی، خانوادگی و اجتماعی، حفظ بهداشت و سلامت افراد جامعه می باشد. همچنین از وظایف حکومت دینی آن است که در کنار تلاش برای بهبود وضعیت بهداشت و سلامت جسمی آحاد جامعه، به سلامت روانی و روحی آنان نیز اهمیت دهد و برای ایجاد و تقویت سلامت جسمی و روحی کوشش نماید.

هر چند بیماری برای بیماران و اطرافیان آنان نوعی امتحان است که سبب پاکی و آمرزش آنان نیز می شود، اما از آنجا که جامعهی مؤمنین یک پیکر واحدند، تلاش برای رفع مشکلات جسمی و روانی بیماران امت اسلام، عبادتی ارزشمند است که در کنار اقدامات پزشکی و ظاهری، بجاست مؤمنین برای طلب شفای مریضان به درگاه خداوند دست به دعا بردارند و خود را شریک الام و رنجهای آنان بشمارند.

## نکته‌ها:

- ✓ از آنجا که برخی از مشکلات بیماری به جسم و برخی مربوط به روح و روان می‌باشد، امام زمان علیه السلام در این بخش از دعا برای بیماران هم تقاضای شفاء (آسودگی جسمی) و هم تقاضای راحتی (آسودگی از آلام روحی، افسردگی‌ها و بیماری‌های روانی) می‌نمایند.
- ✓ از جمله مشخصات حکومت امام زمان (عج)، ارتقای سطح بهداشت عمومی و ریشه کن شدن عوامل و زمینه‌های بیماری‌های جسمی و روحی است و این خصیصه می‌تواند سرلوحه‌ی عملکرد مسئولین بهداشت یک جامعه‌ی مهدوی به شمار آید.
- ✓ دعا و درخواست شفاء محدود به یک بیمار و دو بیمار یا آشنایان نمی‌شود، بلکه لازم است برای همه مسلمین دعا و خیرخواهی نمود.
- ✓ مشهود بودن بیماری‌های جسمی و ظاهری نباید ما را از وجود بیماری‌های روحی (گناهان و افسردگی‌ها) غافل کند و باید برای درمان هر دو تلاش کرد و البته عامل دعا را نیز در طلب شفاء از خداوند فراموش ننمود.



## ۱۶ ﴿وَ عَلٰی مَوَاتِهِمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ﴾

«و اموات مسلمین را مورد مهر و رحمت خویش قرار بده.»

**مَوْتَى:** اموات، مردگان، جمع مَیْت

**رَأْفَت:** مهربانی، رئوف به معنای شدید الرَّحْمَة (آنکه رحمتش بسیار است) می باشد.<sup>۱</sup>

**رحمت:** نوعی نرمخویی و مهربانی است که نیکی کردن به دیگری را اقتضاء می کند و استعمال این واژه درباره خداوند به معنای نعمت دادن و بخشایش است.<sup>۲</sup>

از جمله وظایف اخلاقی در بین مؤمنین، برقراری و حفظ ارتباط محبت آمیز و رحمت آفرین به اموات است.

همان طور که صله ارحام و تفقد از خویشان در حال حیاتشان امری لازم است، پیوند همراه با درخواست رحمت و مغفرت برای مردگان و احسان به آنان نیز امری لازم است. توجه به نسلهای گذشته و پاسداشت از مؤمنین، پدران و مادران و مفاخر گذشته، علاوه بر ادای حقوق گذشتگان، فضای جامعه را با یاد آخرت معطر می کند و مانع از گسست فرهنگی بین نسل گذشته و آینده خواهد شد. طلب رحمت و مغفرت برای گذشتگان از خصایص انبیاء و اولیای الهی بوده است. قرآن از قول حضرت نوح علیه السلام می فرماید: (رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ

لِوَالِدِيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ...) <sup>۳</sup>

«پروردگارا! من و پدر و مادرم و تمام مؤمنینی را که وارد

خانه‌ی من شدند و همه زنان و مردان مؤمن را بیامرز...»

۲ - مفردات.

۱ - مجمع البحرین.

۳- نوح، ۲۸.



حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید:

(رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ)<sup>۱</sup>

«خداوندا! مرا و پدر و مادرم و همه ی مؤمنان را در آن

روز که حساب بر پا می شود، بیامرزد.»

در کنار درخواست رحمت و بخشایش خداوندی برای

مردگان، انجام اعمالی به عنوان خیرات و مبرات برای آنان

در دین سفارش شده است که عبارتند از:

✓ خواندن قرآن و نماز مستحبی و اهدای ثواب آن به اموات.

✓ خواندن نمازهای قضای آنان و یا اجیرگرفتن برای این امر.

✓ ذکر یاد و خاطرات خیر گذشتگان.

✓ انجام حج و طواف به نیابت از ایشان.

✓ صدقه دادن و انجام کارهای خیر برای آنان.

✓ زیارت قبور ایشان و انجام زیارت به نیابت از آنان.

✓ برگزاری جلسات دینی و روضه خوانی برای ترویج روح آنان.

✓ چاپ و هدیه کتابهای مفید برای زنده نگاه داشتن یاد آنها.

✓ ساخت بناهای خیر، مساجد، مدارس، حسینیه ها، خیریه ها،

حوزه های علمیه و... به نیابت از آنان.

✓ وقف بناها و امورات خیر برای اموات<sup>۲</sup>

۱- ابراهیم، ۴۱.

۲- کتاب: «فراموشم مکن» شامل حقوق والدین پس از مرگ از مؤلف

طالعه شود.

﴿وَعَلَىٰ مَشَايِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ﴾

«و به پیران ما آرامش و طمأنینه مرحمت کن.»

**مشایخ:** جمع شیخ، سالمند، پیرمرد، بزرگی که از نظر فضل و دانش مقام شامخی دارد.<sup>۱</sup>

**وقار:** سکون، آرامش و بردباری<sup>۲</sup>

**سکینه:** آرامش قلب و طمأنینه

در یک جامعه سالم و پیشرفته سالمندان و بازنشستگان، از جایگاه والا و قابل احترامی برخوردارند و نسل‌های بعدی با حفظ احترام و مقام ارزشمند ایشان، از آنان به عنوان مغتنم‌ترین گنجینه‌های تجربه استفاده می‌کنند و تجربیات و رهنمودهای آنها را چراغ راه خویش قرار می‌دهند.

امام زمان علیه السلام برای این قشر از جامعه از خداوند «وقار» و «سکینه» درخواست می‌کنند.

### نکته‌ها:

✓ وقار و سکینه (آرامش و بردباری) از جمله نیازمندی‌های سالمندان است و شایسته است این طبقه اجتماعی تلاش کنند تا به این دو گوهر اخلاقی مزین باشند.

✓ رعایت وزانت، متانت و وقار در این دوره برای سالمندان ضروری است، زیرا ایشان الگو و هادیان فرزندان خویشند و در صورت از بین رفتن وقار و آرامش خود مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند.

✓ بر اساس محتوای دعای امام زمان علیه السلام لازم است خانواده‌ها، جوانان، جامعه و حکومت شرایط یک زندگی آرام، همراه با متانت و به دور از دغدغه‌های مادی را برای سالمندان فراهم آورند، چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

(وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ)<sup>۱</sup>

«پیران خویش را احترام کنید و خردسالان را مورد مهربانی خویش قرار دهید.»

✓ حفظ جایگاه سالمندان و تکریم ایشان از درخواست‌های معنوی امام زمان علیه السلام و از جمله وظایف یک جامعه و حکومت مهدوی است.

✓ در این دعا امام زمان علیه السلام دعای در حق سالمندان را مقدم بر دعا برای جوانان آورده‌اند و این خود نوعی رعایت ادب و تکریم سالمندان است.

﴿وَ عَلَى الشَّبَابِ بِالإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ﴾ ۱۸

شباب: جوانان، جمع شاب (جوان)

انابة: بازگشت پی در پی، انابه به درگاه خدا یعنی بازگشت

به سوی او همراه با توبه، ندامت و اخلاص در عمل<sup>۱</sup>

توبه: بازگشت از گذشته، بازگشت از گناهان

مهمترین دارایی‌های یک جامعه، سرمایه‌های انسانی آن جامعه و بویژه نسل جوان آن است. پاک بودن و توجه به خدا در این قشر یکی از شاخصه‌های رشد و ارتقای فرهنگ دینی در یک جامعه محسوب می‌گردد، زیرا صلاح و فساد این طبقه تأثیر مستقیم بر سرنوشت امروز و فردای جامعه خواهد گذاشت.

به استناد سخن معصومین علیهم‌السلام جوانان همواره در شکل‌گیری تمدن‌های الهی و بویژه تمدن اسلامی نقشی اساسی داشته‌اند و این نیست مگر به خاطر آمادگی بالا برای پذیرش حق و طهارت دل این قشر. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بیان نقش جوانان در تقویت اسلام فرمودند:

﴿إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَخَالَفَنِي الشُّبَّانُ وَ خَالَفَنِي الشُّيُوخُ﴾<sup>۲</sup>

[خداوند مرا بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده مبعوث کرد، پس

پیران با من مخالفت کردند و جوانان با من هم پیمان گشتند

(و یاری ام نمودند).]

همچنین نقش جوانان در آینده‌سازی تمدن مهدوی نقش محوری و اساسی است.

حضرت علی علیه السلام فرمودند:

(أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولٌ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلَ كُحْلِ الْعَيْنِ وَ الْمِلْحِ فِي الزَّادِ وَ أَقْلُ الزَّادِ الْمِلْحُ)<sup>۱</sup>

«همانا یاران مهدی همگی جوانند و پیر در میانشان نیست مگر به اندازه‌ی سرمه در چشم یا به قدر نمک در توشه راه و کمترین چیز در توشه‌ی راه نمک است.»

مقام جوانان الهی در روایات اهل بیت علیهم السلام:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

✓ (فَضْلُ الشَّابِّ الْعَابِدِ الَّذِي تَعَبَّدَ فِي صِبَاهُ عَلَى الشَّيْخِ الَّذِي تَعَبَّدَ بَعْدَ مَا كَبُرَتْ سِنُهُ كَفَضْلِ الْمُرْسَلِينَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ)<sup>۲</sup>

«برتری جوان عابدی که در جوانی خود راه بندگی پیش گیرد بر پیری که در بزرگسالی به عبادت روی آورد، همچون برتری فرستادگان الهی بر دیگر مردمان است.»

✓ (مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ شَابٍّ تَائِبٍ)<sup>۳</sup>

«هیچ چیز نزد خدای تعالی، محبوبتر از جوان توبه‌گر نیست.»

نکته‌ها:

✓ دعادرحق جوانان ازبرنامه های معنوی حضرت است.

✓ یکی از پشتوانه‌های مهم برای جوانان دعاودر خواست پاکی آنان از طرف خداست.

✓ ازمهمترین صفات جوانان مهدوی پاکی از گناه وارتباط نان با خداست.

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۳. ۲- میزان الحکمه، ح ۹۰۹۳.

۱- همان، ح ۹۰۹۱.

﴿۱۹﴾ (وَ عَلٰی النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ)

«و به زنانمان حیا و عفت عنایت فرما.»

نساء: زنان

حیاء: شرم، اجتناب از زشتی‌ها به خاطر ترس از مذمت غیر<sup>۱</sup>، رعایت حدود شرعی و عقلی  
 عفة: بازداشتن نفس از آنچه که جایز نیست، روی گردانی از شهوات و خواسته های نفسانی  
 در هر جامعه زنان تقریباً نیمی از جمعیت آنرا تشکیل می‌دهند که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در سرنوشت آن جامعه مؤثرند.

هر زن در یک جامعه حداقل سه نقش اساسی را ایفا می‌کند:<sup>۱</sup>

✓ «نقش فردی» به عنوان عضوی از اعضای جامعه.<sup>۲</sup>

✓ «نقش خانوادگی» به عنوان دختر، همسر و مادر.<sup>۳</sup>

✓ «نقش اجتماعی» به عنوان کارمند، معلم، شهروند و ...

یک زن در نقش همسر و مادر به علت قدرت تأثیر گذاری فوق العاده‌ای که دارد، مستقیم در تربیت مردان و به شکل غیرمستقیم در جریانات اجتماعی مؤثر است.

همچنین زنان به طور مستقیم و در نقش اجتماعی خویش در پاکسازی و یا آلوده سازی فضای جامعه می‌توانند مؤثر باشند و از اینرو صلاح و فساد یک اجتماع به صلاح و فساد زنان آن بر می‌گردد.



هر چند وجود دو صفت کلیدی حیا و عفت برای زن و مرد به عنوان سپری در برابر گناهان لازم است، اما وجود این دو برای زنان به خاطر حساسیت‌ها، ظرافت‌ها و لطافت‌های روحی و زیباییهای ظاهری زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است و به همین دلیل خداوند متعال بهره‌ی زنان از صفت حیا را بیش از مردان قرار داده است، چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

(الْحَيَاءُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ فَتِسْعَةٌ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ)  
«حیا ده جزء دارد: نه جزء آن در زنان است و یک جزء در مردان»<sup>۱</sup>

در روایات اهل بیت علیهم السلام فضیلت حیا از جایگاهی ویژه‌ای برخوردار است؛

امام صادق علیه السلام فرمودند: (الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ)<sup>۲</sup> «حیا از ایمان است و ایمان در بهشت است.»  
حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

✓ (الْحَيَاءُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ)<sup>۳</sup> «حیا کلید همه‌ی خوبی‌هاست.»

✓ (الْحَيَاءُ سَبَبٌ إِلَى كُلِّ جَمِيلٍ)<sup>۴</sup>

«شرم و حیا وسیله‌ی رسیدن به هر زیبایی و نیکی است.»

✓ (أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعِفَافُ)<sup>۵</sup> «برترین عبادت عفاف است.»

۱- میزان الحکمة / حدیث ۴۶۰۳

۲- بحار، ج ۷۸، ص ۳۰۹      ۳- غررالحکم، ص ۳۴۰

۴- میزان الحکمه، ح ۴۵۴۲      ۵- همان، ح ۱۳۱۱۶





﴿۲۰﴾ (وَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُعِ وَ السَّعَةِ)

«و بر ثروتمندان با دادن فروتنی و وسعت (مالی و روحی) تفضل فرما.»

اغنیاء: ثروتمندان و بی نیازان

تواضع: تذلل، اظهار ذلت و خواری در برابر خداوند

(و فروتنی در برابر مؤمنین)

سعة: وسعت، توانگری، وسعت در حالات نفسانی به معنای

آرامش و در کارها به معنای گشایش و دست و دل باز بودن است.<sup>۱</sup>

غَنِيٌّ به معنای انسان بی نیاز است و صفتی است که به طور مطلق تنها برازنده‌ی خداوند می‌باشد و استعمال این واژه برای غیر خدا، نسبی است.

ثروت و نعمت‌های مادی، لطف خداوند به بندگان اوست تا انسانها با بهره برداری از آنها به رفاه و آسایش دست یابند، اما به دلایلی چون: امتحان الهی، لیاقت و مهارت و کار بیشتر در بعضی و یا ظلم و تعدی در بعضی دیگر این نعمت‌ها نزد افرادی انباشته می‌شود.

نباشت ثروت نزد گروهی اندک، سبب بروز آفات و مشکلاتی برای صاحبان آن و محرومان از آن خواهد شد، زیرا از طرفی صاحب ثروت در معرض آفاتی چون: طغیان، فاخر، تکاثر (زیاده طلبی) تکبر، بخل، اسراف، اشرافی‌گری، نیا زدگی و غفلت قرار می‌گیرند و سبب محرومیت



نیازمندان از نیازمندی‌های خود می‌شوند و از سوی دیگر برای فقیران و جامعه موجب بروز، مشکلات روحی- روانی، رکود فعالیت‌های اقتصادی، بیکاری، توقف چرخه‌ی اقتصاد و گاهی بی‌دینی و بداخلاقی می‌شوند و آنگاه جامعه دچار بی‌تعادلی و یا از هم پاشیدگی خواهد شد.

امام زمان علیه السلام برای مصونیت بخشی ثروتمندان و فقرا و کل جامعه از آفات یاد شده، از خداوند برای ثروتمندان جامعه "تواضع" و "وسعت" طلب می‌نمایند. در حدیثی از حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم:

(إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَائِلُهُمْ عَن ذَلِكَ)<sup>۱</sup>

«خداوند متعال خوراک تهیدستان را در اموال توانگران قرار داده است، پس هیچ تهیدستی گرسنه نماند، مگر به سبب این که ثروتمند از حق او بهره مند شده است و خدای بزرگ در این باره از آنان بازخواست می‌کند.»

ناگفته پیداست تواضع ثروتمندان در برابر احکام الهی و بندگان بی بضاعت، سبب علاقه مندی ایشان به انفاق و رسیدگی به احوال فقراء خواهد شد.

هر چند وسعت نیز در اینجا بیشتر به معنای وسعت مالی و توانگری اقتصادی به کار رفته، اما ممکن است منظور حضرت از طلب این خصلت، وسعت روحی و سخاوت‌مندی برای ثروتمندان باشد، چرا که وسعت و توسعه‌ی باطنی

ثروتمندان و شرح صدر و فاصله گرفتن از تنگ نظری و بخل سبب می شود انفاق، رسیدگی به محرومان و انجام وظایف مالی واجب و مستحب بر ایشان آسان و عملی گردد.

تعابیر قرآن و معصومین علیهم السلام در خصوص آثار منفی ثروت و لزوم ضمیمه شدن صفات حمیده به این نعمت خدادادی، نشانگر اهمیت این دعای امام زمان علیه السلام می باشد.

قرآن می فرماید: (إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ \* أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى \*)<sup>۱</sup>

«به یقین انسان طغیان می کند\* از اینکه در خود احساس بی

نیازی می نماید.»

حضرت علی علیه السلام نیز می فرمایند:

﴿اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ مِنْ سَكْرَةِ الْغِنَى فَإِنَّ لَهُ سَكْرَةً بَعِيدَةً الْإِفَاقَةَ﴾<sup>۲</sup>

«از مستی بی نیازی به خدا پناه برید، زیرا مستی بی نیازی

دیر بهبود می یابد.»

﴿فَاتَّقُوا سَكْرَاتِ النُّعْمَةِ﴾<sup>۳</sup>

«از مستی های نعمت ها بپرهیزید.»

۲- غررالحکم، ص ۳۷۰.

۱- علق، ۷ و ۶.

۳- بحار، ج ۳۴، ص ۲۲۶.

﴿۲۱﴾ (وَ عَلٰی الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ)

« و به نیازمندان شکیبایی و قناعت مرحمت کن.»

فقر: نیاز، حاجت، نیازمند را از آن جهت فقیر گویند که گویا ستون فقرات او زیر بار فقر شکسته می شود.

صبر: بازداشتن نفس از اظهار جزع و بی تابی، خویشتن داری در سختی های زندگی.<sup>۱</sup>

قناعت: اکتفا به اندک و رضایت به حداقل زندگی و قانع کسی است که به آنچه دارد راضی است.

خداوند متعال همه ی انسانها را از نظر وسعت مالی در یک حد قرار نداده است، برخی فقیرند و برخی غنی و این نیست مگر به خاطر امتحان هر دو گروه، امتحان فقیر به صبر و قناعت و امتحان غنی به ادای حقوق مالی دیگران، مردم داری، رسیدگی به محرومان و شکرگزاری.

حضرت علی علیه السلام فرمود:

(قَدَّرَ الْأَرْزَاقَ فَكَثَّرَهَا وَ قَلَّلَهَا وَ قَسَمَهَا عَلٰی الضَّيِّقِ وَ السَّعَةِ  
فَعَدَلَ فِيهَا لِيَتَلَى مَنْ أَرَادَ بِمَيْسُورِهَا وَ مَعْسُورِهَا وَ لِيَخْتَبِرَ  
بِذَلِكَ الشُّكْرَ وَ الصَّبْرَ مِنْ غَنِيِّهَا وَ فَقِيرِهَا)<sup>۲</sup>

«روزی ها را مقدر ساخت و آنگاه آن را زیاد و کم گردانید و به تنگی و گشایش تقسیم کرد و در این تقسیم به عدالت رفتار نمود تا هر که را بنخواهد در فراخی و تنگدستی بیازماید و بدین سان شکرگزاری و شکیبایی توانگر و درویش را امتحان کند.»



در نظام اقتصادی و اخلاقی اسلام، ثروتمندان مکلف شده‌اند تا با انفاقات واجب و مستحب تعادل بین طبقات اجتماعی را با حفظ حرمت انسانی آنان به عنوان عبادت و تقرب إلى الله برقرار نمایند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

(إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ فَعَلِمَ صَغِيرَهُمْ وَ كَبِيرَهُمْ وَ عِلْمَ غَنِيَّتِهِمْ وَ فَقِيرَهُمْ، فَجَعَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفِ إِنْسَانٍ خَمْسَةً وَ عِشْرِينَ مِسْكِينًا فَلَوْ عِلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَسَعُهُمْ لَزَادَهُمْ ...)<sup>۱</sup>

«خداوند تعالی همه‌ی مردمان را بیافرید و از خُرد و کلان و توانگر و تهیدست آنان آگاه است. او در میان هر هزار انسان بیست و پنج مستمند قرار داد، بنابراین اگر می‌دانست که انفاق مالی (زکات و خمس) آن عده (ثروتمندان) زندگی این عده (فقیران) را تأمین نمی‌کند بر مقدار زکات آنها می‌افزود...»

و بدینسان هر چهل نفر غنی باید یک نفر مستمند را تأمین نمایند.

اما از سویی مستمندان نیز موظفند خود را به صفات حمیده «مقاومت» و «قناعت» مزین سازند تا علاوه بر حفظ شخصیت و کرامت انسانی خویش، به مقامات معنوی و قرب الی الله و پاداشهای آخرتی نیز دست یابند.

در سخنان اهل بیت علیهم السلام به لزوم آراستن فقر به زیورهای اخلاقی تأکید فراوان شده است.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: (العِفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ)<sup>۱</sup>

«خویشتن داری (و قناعت طبع) زیور فقیر است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می فرمایند:

✓ (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ إِذَا كَانَ فَقِيرًا مُتَعَفِّفًا)<sup>۲</sup>

«خداوند تعالی مؤمن فقیری که خویشتن دار باشد را دوست دارد.»

✓ (يَا مَعْشَرَ الْفُقَرَاءِ ، أَعْطُوا اللَّهَ الرِّضَا مِنْ قُلُوبِكُمْ تَظْفَرُوا بِثَوَابِ فَقْرِكُمْ وَإِلَّا فَلَا)<sup>۳</sup>

«ای گروه فقیران! از خداوند قلباً راضی باشید تا به پاداش فقر خود برسید و گرنه نمی رسید.»

✓ (إِنَّ أَشْقَى الْأَشْقِيَاءِ مَنْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَ عَذَابُ الْآخِرَةِ)<sup>۴</sup>

«بدبخت ترین شوربختان کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت در او جمع شود.»

۲- همان، ح ۱۶۰۹۴.

۱- میزان الحکمه، ح ۱۶۰۸۷.

۴- همان، ح ۱۶۱۲۴.

۳- همان، ح ۱۶۱۱۰.

## ﴿۲۲﴾ (وَ عَلٰی الْغُزَاةِ بِالنَّصْرِ وَ الْغَلْبَةِ)

«و بر جنگجویان در یاری ستمدیدگان پیروزی تفضل فرما»

غُزَاة: جنگجویان، جمع غازی (کسی که برای جنگ بیرون رود).<sup>۱</sup>

نصر: عَوْنُ الْمَظْلُوم، یاری ستمدیده<sup>۲</sup>

غلبه: پیروزی، مقهور کردن حریف<sup>۳</sup>

از جمله نیازهای اساسی یک جامعه دینی، امنیت، آرامش، صلح و پیروزی بر دشمنان بوده و همه اینها مدیون تلاش نیروهای نظامی و امنیتی و مجاهدین است؛ این قشر فداکار و جان بر کف حق بزرگی بر سایر اقشار جامعه دارند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در بیان عظمت نعمت امنیت می فرمایند:

(نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: الْأَمْنُ وَ الْعَافِيَةُ)<sup>۴</sup>

«دو نعمت است که مورد کفران واقع می شود: امنیت و سلامت»

توجه به عنصر جهاد و وجود اقتدار و صلابت در جامعه اسلامی، علاوه بر دفع خطرات احتمالی و احقاق حقوق ستمدیدگان، زمینه گسترش اسلام را فراهم می آورد و از اینرو قرآن می فرماید: (وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ)<sup>۵</sup>

«هر چه در توان دارید برای مقابله با آن (دشمنان) نیرو

آماده سازید.»

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام به جهت تأثیر فوق العاده جهاد و مجاهدین و برتری و پیروزی آنان، برای ایشان از درگاه الهی نصر و یاری الهی و

۱- قاموس، ج ۶: ص ۹۸      ۲- العین، ج ۷، ص ۱۰۸.

۳- قاموس، ج ۶، ص ۱۱۳      ۴- میزان الحکمه، ح ۲۰۳۶۹.

۵- انفال، ۶۰.

پیروزی را درخواست می نماید. در احادیث اهل بیت علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص ارزش جهاد و مجاهدین احادیث متعددی وارد شده است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

(مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزَوْ لَمْ يُحَدِّثْ بِه نَفْسَه مَاتَ عَلٰی شُعْبَه مِنْ نِفَاقٍ)<sup>۱</sup>  
 «کسی که جهاد نکرده یا آرزوی جهاد نداشته و بمیرد به نوعی نفاق مرده است.»

✓ (السُّيُوفُ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ)<sup>۲</sup> «شمشیرها کلیدهای بهشتند.»

قال علی عليه السلام: (إِنَّ الْجِهَادَ أَشْرَفُ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْإِسْلَامِ وَهُوَ قِوَامُ الدِّينِ، وَ الْأَجْرُ فِيهِ عَظِيمٌ مَعَ الْعِزَّةِ وَالْمَنْعَةِ وَهُوَ الْكِرَّةُ فِيهِ الْحَسَنَاتُ وَالْبُشْرَى بِالْجَنَّةِ بَعْدَ الشَّهَادَةِ)<sup>۳</sup>

«و همانا جهاد شریفترین کارها بعد از اسلام است، جهاد مایه پایداری دین است و علاوه بر آن که عزت و اقتدار می آورد، اجری بزرگ دارد، جهاد یورش آوردن است در نیکی ها و ثوابها و نوید به بهشت است بعد از رسیدن به شهادت.»

قال الصادق عليه السلام: (لِيُعَدَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ (عج) وَ لَوْ سَهْمًا...)<sup>۴</sup>  
 «هر کدام از شما باید برای قیام امام زمان (عج) تلاش کند ولو به آماده کردن یک تیر باشد...»

۱- میزان الحکمه، ح ۲۶۶۹.

۲- همان، ح ۲۶۸۶.

۳- همان، ح ۲۶۷۵.

۴- سفینه البحار، ج ۸، ص ۶۵۳.

## ﴿ ۲۳ ﴾ (وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخَلَاصِ وَالرَّاحَةِ)

«و بر اسیران به نجات دادن و آسوده کردن تفضل فرما.»

**اسراء:** اسیران، اسیر بمعنای اخذ (گرفته شده) و مسجون (زندانی شده) می باشد.<sup>۱</sup>

**خلاص:** رهایی، نجات، دستیابی به پایانی نیکو<sup>۲</sup>

**راحة:** آسایش، بر طرف شدن سختی و مشقت<sup>۳</sup>

در میدان جهاد یکی از این چهار سرنوشت در انتظار مجاهدین است:

✓ **شهادت:** که بزرگترین افتخار و بلندترین پرواز و عروج به سوی ملکوت است.

✓ **جانبازی (معلولیت):** که آن هم افتخاری بزرگ است و دعای امام زمان علیه السلام که فرمودند: (وَعَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ) شامل حال آنان نیز می گردد.

✓ **برگشت پیروزمندانه:** که امام زمان (عج) در عبارت: (وَعَلَى الْغَزَاهِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ) آنان را مورد دعای خیر خویش قرار دادند. مقام مجاهدانی که پس از جهاد به میان قوم خویش بر می گردند آنقدر بالاست که در روایات به ایشان لقب «بقیه الله» داده شده است، زیرا «بقیه الله» به انسانهایی گفته می شود که به اراده الهی و تحت الحفظ او ادامه زندگی می دهند و رزمندگان نیز از آنجا که پیروزمندانه از جنگ

۱- لسان العرب، ج ۴، ص ۱۹، ۲ - فرهنگ ابجدی، ج ۱، ص ۳۷.

۳- مجمع البحرین، ج ۲، ص ۳۶۲.

برمی‌گردند و به اراده الهی باقی می‌مانند، بدین لقب ملقب شده‌اند، آنگونه که امام عصر علیه السلام به عنوان مصداق والای آن با این لقب شناخته می‌شوند.<sup>۱</sup>

**اسارت (و زندانی شدن):** اسیران در بند دشمنان دین در واقع آزاد مردانی هستند که برای اعتلای اهداف اسلام و تأمین آسایش و آرامش جامعه مسلمین، رنج زندان و آلام آنرا به جان پذیرفته‌اند. امام زمان علیه السلام در این بخش از دعا، بویژه آنان را مورد عنایت ویژه خویش قرار داده‌اند تا علاوه بر خیرخواهی نسبت به ایشان، دیگران را نیز متوجه مقام والای اسراء و آزادگان نمایند تا مبدا کسی آنها را فراموش نماید.

در دعاهای ماه مبارک رمضان نیز در این خصوص می‌خوانیم:

(اللَّهُمَّ فَكِّ كُلِّ أُسِيرٍ)<sup>۲</sup>

«خداوند! همه اسیران را آزادی بخش ...»

یکی از اسامی خداوند متعال نیز «فکِّ كُلِّ أُسِيرٍ» «آزادگر همه اسیران»<sup>۳</sup> می‌باشد.

نکته: با توجه به قرینه مقام، منظور از اسارت در این جا همان حبس و منظور از اسیران همان در بند شدگان زندان دشمنند، اما احتمال دارد مراد، رهایی اسیران نفس از چنگال خود پرستی نیز باشد که در روایات اهل بیت علیهم السلام به چنین افرادی نیز «اسیر» گفته می‌شود.

۱- تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۶۹. ۲- مستدرک، ج ۷، ص ۴۴۷.

۳- بحار، ج ۹۲، ص ۳۹۹.



حضرت علی می فرمایند:

✓ (عَبْدُ الشَّهْوَةِ أُسِيرٌ لَا يَنْفِكُ أُسْرَهُ)<sup>۱</sup>

«بنده شهوت اسیری است که آزاد نمی شود.»

✓ (كَمْ مِنْ عَقْلٍ أُسِيرٍ تَحْتَ هَوَى أَمِيرٍ)<sup>۲</sup>

«چه بسیار عقل اسیری که فرمانبر هوی و هوس پادشاهی است.»

✓ (قَرِينُ الشَّهَوَاتِ أُسِيرُ التَّبَعَاتِ)<sup>۳</sup>

«همراه همیشگی شهوتها اسیر آثار سوء آن است.»

✓ (كُلُّ طَامِعٍ أُسِيرٌ)<sup>۴</sup> «هر آزمندی اسیر (نفس) است.»

✓ (إِنَّ فِي الْمَوْتِ لِرَاحَةً لِمَنْ كَانَ عَبْدَ شَهْوَتِهِ وَ أُسِيرَ

أَهْوِيَّتِهِ لِأَنَّهُ كُلَّمَا طَالَتْ حَيَاتُهُ كَثُرَتْ سَيِّئَاتُهُ وَ عَظُمَتْ عَلَى

نَفْسِهِ جَنَائِاتُهُ)<sup>۵</sup>

«در مرگ برای کسی که بنده‌ی شهوت و اسیر هوی و هوس

خود است راحتی وجود دارد، زیرا او هر مقدار زندگی اش

طولانی شود گناهانش بیشتر می گردد و جنایت هایش در حق

خودش بزرگتر می شود.»

۱- مستدرک، ج ۱۱، ص ۳۴۶.

۲- بحار، ج ۶۶، ص ۴۱۰.

۳- مستدرک، ج ۱۱، ص ۳۴۵.

۴- همان، ج ۱۲، ص ۷۱.

۵- همان، ج ۱۱، ص ۳۴۳.

﴿۲۴﴾ (وَ عَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ)

«و به امیران و حاکمان (جامعه ما) عدالت و دلسوزی  
عنایت فرما»

**أمرأء:** جمع امیر به معنای فرمانده، رهبر، آنکه دارای  
حسب و نسب و بزرگی است.<sup>۱</sup>

**عدل:** برابری، تقسیط بر اساس راستی و کمال، ضد جور،  
رعایت حقوق مردم

**شفقة:** مهربانی و انعطاف

هر جامعه‌ای دارای نظام سیاسی خاص خود است. تأثیر  
عملکرد حاکمان و ساختار سیاسی یک جامعه بر فرهنگ،  
اخلاق، اقتصاد و ایمان مردمان تا آن جایی است که  
پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند:

(صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتِ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ

أُمَّتِي! قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ هُمَا؟ قَالَ: الْفُقَهَاءُ وَالْأُمَرَاءُ)<sup>۲</sup>

«دو گروه از اُمت منند که اگر اصلاح شوند اُمت من

اصلاح می‌گردد و اگر فاسد شوند اُمت نیز فاسد شوند!

پرسیده شد یا رسول الله! آن دو گروه کدامند؟ فرمود:

فقیهان و امیران.»

در کلمات بزرگان نیز آمده است: (النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ)<sup>۳</sup>

«مردمان پیرو آیین حاکمان خود هستند.»

۲- بحار، ج ۲، ص ۴۹.

۱- فرهنگ ابجدی، ج ۱، ص ۱۳۵.

۳- همان، ج ۱۰۲، ص ۷.

آنچه که یک دولت و ملت شایسته را از یک دولت و ملت غیر شایسته و بی ثبات متمایز می کند، «عدالت» است. از دیدگاه امام عصر علیه السلام در این دعا حاکمان برای اجرای قانون و حکومت بر مردم به دو عنصر «عدالت» و «شفقت» بیش از هر چیز احتیاج دارند و برای بسط عدالت، خود باید بیش از دیگران به آن عامل باشند.

اجرای عدالت برای حفظ کیان جامعه، برقراری امنیت، امیدواری ستمدیدگان به احقاق حقوق خویش و ناامیدی سایر مجرمان و ستمکاران از ظلم به مردم، ضروری است، اما حاکمان علاوه بر اجرای عدالت که همان اجرای قوانین و رعایت حقوق همه طبقات است باید نسبت به مردم نیز، شفقت و دلسوزی داشته باشند که این صفت، خصوصیتی فراتر از عدالت است، زیرا حکومت در کنار اجرای قانون به محبت و انعطاف پذیری در برابر مردم نیز نیازمند است.

بخشش، تساهل، تسامح و تخفیف در مجازات مجرمین نادم، علاوه بر روان سازی امور و تنظیم روابط بر اساس مهرورزی بر جلوگیری از ارتکاب جرائم و کاهش سطح بزهکاری ها، به قشر آسیب پذیر و آسیب دیده جامعه نیز کمک شایانی می نماید.

۲۵ (و عَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَ حُسْنِ السَّيْرِةِ)

رعیه: عموم مردمی که سرپرستی شان با حاکم است.<sup>۱</sup>

شهروندان

انصاف: عدالت پیشگی<sup>۲</sup>

حسن: زیبایی، نیکویی، خوشایند بودن<sup>۳</sup>

سیره: سنت، طریقه، روش، متد<sup>۴</sup>

رعایا همان توده مردم هستند، کسانی که رعایت حال آنان وظیفه حاکمان یک جامعه می باشد. امام زمان علیه السلام در کنار ترسیم وظایف حاکمان جامعه اسلامی، وظیفه فرو دستان و عموم مردمان در برابر فرا دستان و کارگزاران حکومت را نیز مشخص می سازند. برای توضیح بیشتر باید گفت

هر حکومتی چهار رکن دارد:

۱. حاکم
۲. مردم
۳. ساختار و قوانین حکومت
۴. سرزمین

تعامل منصفانه و مشارکت دلسوزانه و همکاری نزدیک (حسن السیره) ملت با دولتمردان به عنوان دو رکن انسانی حکومت، موجب روان شدن جریان حکومت و تقویت انگیزه خدمت در کارگزاران مردم می گردد و بر عکس بی انصافی در قضاوت و سیاه نمایی درباره عملکرد و تلاشهای مجریان حکومتی، موجب دلسردی کارگزاران و از بین رفتن زحمات آنان می شود.

۱- فرهنگ ابجدی، ج ۱، ص ۴۳۵. ۲- لسان العرب، ج ۹، ص ۳۳۲.

۳- قاموس، ج ۳، ص ۱۲۴. ۴- لسان العرب، ج ۴، ص ۳۸۹.

شناخت و رعایت اخلاق در برابر حاکمان و سپاسگزاری از خدمات آنان، برای تشکیل جامعه ای مهدوی ضروری بوده و به همین دلیل در دعای امام زمان علیه السلام مورد توجه قرار داده شده است. حضرت علی علیه السلام در خصوص اهمیت و منافع این تعامل دو سویه می فرمایند:

(إِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ أَدَّى إِلَيْهَا الْوَالِي كَذَلِكَ، عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ فَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَأَعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَّتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنَنُ فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ وَ طَابَ بِهِ الْعَيْشُ وَ طُمِعَ فِي بَقَاءِ الدَّوْلَةِ وَ يَسَّتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ)<sup>۱</sup>

«هنگامی که رعیت حق والی و حاکم را ادا کند و والی نیز حق رعیت را بپردازد حق بین آنان ارزشمند و عزیز می شود، پس راههای دین استوار می شود و پایه های عدالت محوری گزارده می شود و سنن و قوانین جاری می گردد، پس زمان بدان اصلاح گردد و زندگی دلپذیر و زیبا و پایه های حکومت استوار و چشم داشت دشمن قطع می گردد.»

﴿۲۶﴾ (و بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ وَأَقْضِ مَا أَوْجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ)

برکت: فائده ثابت، خیر مدام<sup>۱</sup>

**حجّاج:** زائران خانه خدا، حجّ یعنی قصد و به زائر خانه خدا حاجی می گویند زیرا قصد بیت الهی کرده است.

**زوّار:** جمع زائر بمعنای قصد کننده و دیدار کننده<sup>۲</sup>

**زاد:** توشه، چیزی که اضافه بر نیاز فعلی است و برای وقت دیگری ذخیره می شود.<sup>۳</sup>

**نفقة:** آنچه خرج و مصرف می شود.<sup>۴</sup>

**عُمُرَة:** در لغت به معنای دیدار و زیارتی که سه استحکام دوستی می شود و در اصطلاح گاهی بخشی از اعمال حجّ و گاهی به طور مستقل (عمره مفرده) است که با شرایط خاصی ایتیان می شود.<sup>۵</sup>

**فضل:** زیادتی، عطیه و احسان و رحمت افزونتر

حجّ از جمله عبادت‌های جامع اسلام بوده که دریایی وسیع از معنویت و اسرار دین را در خود جای داده است. حاجیان و زائران بیت الله الحرام در مسیر زیارت به دو نوع ره توشه مادی و معنوی نیازمندند.

۲- فرهنگ ابجدی، ج ۱، ص ۴۵۰

۱- قاموس، ج ۲، ص ۱۸۹

۴- قاموس، ج ۸، ص ۹۷

۳- مفردات راغب.

۵- مفردات.



ره توشه مادی نیز همان وسائل سفر، غذا و هزینه‌های سفر است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

(دِرْهَمٌ تُنْفِقُهُ فِي الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنْ عِشْرِينَ أَلْفٍ دِرْهَمٍ تُنْفِقُهَا فِي حَقٍّ) «یک درهمی که در مسیر زیارت خانه خدا مصرف شود بهتر از بیست هزار درهمی است که در مسیر درست دیگری مصرف شود.»

✓ ره توشه معنوی و اخلاقی که قرآن کریم در آیات مربوط به حج می‌فرماید:

(وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى)

«زاد و توشه برگیرید که بهترین توشه تقواست.»

### نکته‌ها و پیام‌ها:

✓ امام زمان علیه السلام به زائران سفر معنوی حج و زائران معصومین علیهم السلام عنایت ویژه دارند.

✓ از جمله پشتوانه‌های این زائران دعای خیر امام زمان علیه السلام برای آنهاست.

✓ مسلمین باید با اقتداء به امام عصر خود، برای موفقیت و قبول اعمال حاجیان و زائران دعا کنند.

✓ حضرت برای موفقیت حجاج و زائران دست به دعا برمی‌دارند.

✓ امام زمان علیه السلام از خداوند ماندگاری و دوام خیرات و نیکی‌های حج را برای حاجیان طلب می‌کنند.

✓ حجاج لازم است به دو ره توشه «مادی» و «معنوی» در سفرهای معنوی خود دقت داشته باشند.

لازم به ذکر است مهدی باوران علاوه بر دقت در مضامین زیبای این دعا و تقویت بُعد «دین شناسی» در قالب دعا، شایسته است با بُعد دیگری از معارف الهی یعنی «امام شناسی» آشنا شوند، چرا که امام شناسی و کسب معرفت بیشتر نسبت به آخرین ذخیره‌ی الهی، نقشی اساسی در هدایت ما خواهد داشت.

در دعای معرفت امام زمان علیه السلام می‌خوانیم:

(اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ

عَنْ دِينِي ...)

«خداوند! حجتت را به من بشناسان، زیرا اگر حجتت را

به من نشناسانی از دینم منحرف خواهم شد.»<sup>۱</sup>

معرفت امام زمان علیه السلام دو شیوه‌ی بنیادین دارد:

✓ معرفت تهذیبی

✓ معرفت تحصیلی

در «معرفت تهذیبی»، انسان با تهذیب نفس از گناهان و رذائل اخلاقی، ارتقای سطح نورانیت دل و تقویت فضائل معنوی در خود و تلاش برای انجام هر چه بیشتر اعمال صالح چون: خدمت خالصانه به خلق، احسان به والدین، کسب حضور قلب در نماز، نماز شب، دائم الوضوء بودن، زیارت خانه خدا، مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله و قبور ائمه معصومین علیهم السلام، خواندن ادعیه و مناجات‌ها، تفکر، ذکر و...

می کوشد تا دل خود را جایگاه حضور امام قرار داده و ارتباط قلبی ویژه‌ای با حضرتش برقرار نماید.

اما در «معرفت تحصیلی» انسان باید تلاش نماید ضمن تزکیه نفس، با مطالعه و سپری کردن دوره‌های آموزشی معارف مهدویت، با خصوصیات امام زمان علیه السلام دوران غیبت، دوران ظهور و وظایف شیعه در هر دو دوره آشنا شود. برای طی کردن دوره‌های آموزشی معارف مهدویت لازم است از یک سلسله مباحث منظم و منطقی و یک الگو و سیر مطالعاتی پیروی کرد، بر همین اساس فهرستی از سرفصلها و عناوین کلی معارف مهدویت جهت آشنایی و تشویق به مطالعه در این خصوص خدمتتان معرفی می‌گردد.

### عناوین کلی مباحث مهدویت:

- ✓ ضرورت توجه به مباحث مهدویت
- ✓ منجی گرایی
- ✓ دلالت اثبات امامت
- ✓ امام زمان علیه السلام در آیات قرآن
- ✓ امام زمان علیه السلام در روایات شیعه و سنی
- ✓ معرفت امام زمان علیه السلام
- ✓ شبهه شناسی امامت و مهدویت
- ✓ تاریخ ولادت امام زمان علیه السلام
- ✓ غیبت صغری
- ✓ غیبت کبری
- ✓ ویژگی‌های شخصیتی امام عصر علیه السلام

- ✓ فلسفه غیبت
- ✓ رهبری تشیع در عصر غیبت و ولایت فقیه
- ✓ فوائد غیبت و امام غائب
- ✓ سازمان وکالت در عصر غیبت
- ✓ نیابت خاصه در غیبت صغری
- ✓ نیابت عامه در غیبت کبری
- ✓ فلسفه انتظار
- ✓ آثار و فوائد انتظار
- ✓ وظایف منتظران
- ✓ ویژگی‌های یاران و منتظران
- ✓ شرایط ظهور
- ✓ علائم ظهور
- ✓ جهان در آستانه‌ی ظهور
- ✓ حوادث عصر ظهور
- ✓ اهداف و ویژگی‌های حکومت امام زمان علیه السلام
- ✓ برنامه‌ها و دستاوردهای حکومت مهدوی
- ✓ وضعیت جهان پس از ظهور
- ✓ عدالت گستری در حکومت امام زمان علیه السلام
- ✓ مبحث رجعت در عصر ظهور
- ✓ اماکن مربوط به امام زمان علیه السلام
- ✓ امام زمان در ادعیه و زیارات
- ✓ غرب و مهدویت
- ✓ عاشورا و مهدویت
- ✓ خانواده‌های مهدوی
- ✓ نقش زنان و جوانان در حکومت امام زمان علیه السلام

- ✓ آسیب شناسی مهدویت
- ✓ ملاقات گرایی
- ✓ دشمن شناسی مهدویت
- ✓ مدعیان مهدویت

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. اصول کافی - ثقة الاسلام کلینی (ره)
۳. العین - فراهیدی
۴. النهاية - ابن اثیر
۵. بحار الانوار - علامه مجلسی (ره)
۶. تفسیر نمونه - آیه اله مکارم شیرازی
۷. تفسیر نور - استاد قرائتی
۸. جمال الاسبوع - ابن طاووس
۹. سفینه البحار - شیخ عباس قمی (ره)
۱۰. غررالحکم - آمدی (ره)
۱۱. فرهنگ أبجدی
۱۲. قاموس اللغات
۱۳. لسان العرب - جمال الدین محمد بن مکرم مصری
۱۴. مجمع البحرین - طریحی
۱۵. مجمع البیان - طبرسی
۱۶. مستدرک - محدث نوری
۱۷. مصباح المنیر - فیومی
۱۸. مصباح - کفعمی
۱۹. مفردات - راغب
۲۰. مکارم الاخلاق - طبرسی (ره)
۲۱. منیه المرید - شهید ثانی (ره)
۲۲. میزان الحکمه - محمدی ری شهری (ره)
۲۳. وسائل الشیعه - شیخ حر عاملی (ره)



## تعدادی از کتب منتشره مولف:

۱. فرهنگ فاطمیه/ الفاظ و اصطلاحات درباره‌ی حضرت زهرا علیها السلام / وزیری / ۶۲۴
۲. فرهنگ جوان / ۶۰۰ نکته تربیتی در موضوع جوانان / وزیری / ۶۴۴ صفحه
۳. تفکر سبز / راهکارهای تفکر در موضوع امام زمان علیه السلام / رقی / ۸۸ صفحه
۴. انتظار و وظایف منتظران / رقی / ۱۲۰ صفحه
۵. فوائد غیبت و امام غائب / پالتویی / ۵۵ صفحه
۶. دولت کریمه‌ی مهدوی / پالتویی / ۶۵ صفحه
۷. بهشت اخلاق (۱) و (۲) / بررسی فرم بندی شده‌ی ۳۱۳ واژه‌ی اخلاقی / وزیری / ۸۰۰ صفحه
۸. مکتب اخلاقی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله / پالتویی / ۱۳۲ صفحه
۹. اخلاق علوی - گل روی علی علیه السلام / بررسی ۱۱۰ صفت حضرت علی علیه السلام از زبان قبر / پالتویی / ۱۶۴ صفحه
۱۰. مدیریت زمان (۱) / بحثی پیرامون ارزش وقت / پالتویی / ۵۲ صفحه
۱۱. مدیریت زمان (۲) / بحث تکمیلی مدیریت زمان (۱)
۱۲. مدیریت زمان (۳) / ویژه شبهای قدر / پالتویی / ۱۵۲ صفحه
۱۳. مدیریت خانواده (۱) / با موضوع ازدواج / پالتویی / ۱۳۲ صفحه
۱۴. مدیریت خانواده (۲) / بحث تکمیلی مدیریت خانواده (۱) / پالتویی / ۱۳۲ صفحه
۱۵. مدیریت خانواده (۳) / بحث تکمیلی مدیریت خانواده (۲) / پالتویی / ۸۴ صفحه

۱۶. مدیریت فرهنگی (۱) / سازمان و سازمان دهی / پالتویی / ۱۴۲ صفحه
۱۷. مدیریت فرهنگی (۲) / محتوا / پالتویی / ۱۳۲ صفحه
۱۸. مدیریت فرهنگی (۳) / شیوه‌ها / پالتویی / ۱۹۲ صفحه
۱۹. مدیریت فرهنگی اعتکاف / رقی / ۵۶ صفحه
۲۰. مدیریت زیارت عمومی اهلبیت علیهم‌السلام / پالتویی / ۱۵۲ صفحه
۲۱. مدیریت زیارت امیرالمومنین علیه‌السلام / پالتویی / ۱۵۶ صفحه
۲۲. مدیریت زیارت امام حسین علیه‌السلام / پالتویی / ۱۸۷ صفحه
۲۳. شهرسپیدخدا / مدیریت معنوی حج / پالتویی / ۲۱۴ صفحه
۲۴. مجرمین و جرم شناسی عاشورا / بررسی ریشه‌های جرم یزیدیان و یزید صفتان / رقی / ۱۲۰ صفحه
۲۵. سربازی مجازی عاشوراء / پالتویی / ۴۷ صفحه
۲۶. درسهایی بزرگ از معلمی کوچک (از گل به گل) بررسی رفتارشناسی شیعه با توجه به نماد زنبور عسل / رقی / ۱۱۲ صفحه
۲۷. چشمان بارانی / تحلیلی بر گریستن / رقی / ۱۲۰ صفحه
۲۸. نامها و نامگذاری / ۳۰۰۰ نام برای کودک / پالتویی / ۱۲۴ صفحه
۲۹. شهاب قیس / راهکارهای تربیت فرزندبر محبت اهل بیت علیهم‌السلام / رقی / ۷۰ صفحه
۳۰. فراموشم مکن / ۲۸ حق از حقوق والدین پس از مرگ / جیبی / ۶۰ صفحه
۳۱. صراط اندیشه / سیر مطالعاتی کتب شهید مطهری / رقی / ۱۱۲ صفحه
۳۲. اندیشه آینه‌ای زلال / بررسی جنبه‌های گوناگون اندیشه / وزیری / ۱۸۴ صفحه

۳۳. دسته چک اخلاقی/۱۰۳ صفت مومن کامل در قالب  
دسته چک اخلاقی
۳۴. عسلک معلم کوچولوی ما/ خشتی/۲۴ صفحه
۳۵. بهشت اخلاق جلد سوم / وزیری / ۳۶۸ صفحه
۳۶. شعارهای عاشورا/ پالتویی / ۸۴ صفحه
۳۷. جلوه‌های انضباط و اقتدار حسینی / رقعی / ۲۲۴ صفحه
۳۸. آسیب شناسی دانش و دانشمندان / رقعی / ۱۳۶ صفحه
۳۹. مدیریت زیارت امام رضا علیه السلام / پالتویی / ۸۴ صفحه
۴۰. اهداف عاشورا/ پالتویی / ۵۴ صفحه
۴۱. چهل چراغ علوی / جیبی / ۴۸ صفحه